

مبانی اتحاد تاریخی و یکپارچگی اجتماعی و سیاسی عصر نبوی در قالب

نخستین قانون اساسی مدینه النبی صلی الله علیه و آله

محمد حسین ماکویی برند آبادی^۱، راضیه شهریار^۲ و رمضان رضائی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴ / ۱۰ / ۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴ / ۱۲ / ۲۰

چکیده

پیمان نامه مدینه یا قانون اساسی مدینه از مهم ترین اسناد تاریخ اسلام است که در نخستین سال هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه و پس از شکل گیری جامعه اسلامی تدوین شد. این سند با هدف تنظیم روابط میان گروه ها و قبایل مختلف ساکن مدینه، چارچوبی برای سامان دهی امور سیاسی، اجتماعی و حقوقی جامعه فراهم ساخت. پیمان نامه مدینه با تعیین حقوق و مسئولیت های متقابل میان مسلمانان و غیرمسلمانان، زمینه ایجاد امنیت، همزیستی و نظم اجتماعی را در مدینه فراهم کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت، برای اداره جامعه نوپای اسلامی و ایجاد ساختاری منسجم، اقدام به تدوین این پیمان نمود. مفاد آن نشان دهنده توجه حکومت نبوی به اصولی همچون عدالت، همکاری اجتماعی، حفظ حقوق افراد و مسئولیت پذیری در برابر جامعه است. از این رو، این سند را می توان یکی از مهم ترین اقدامات پیامبر صلی الله علیه و آله در مسیر قانونمند کردن جامعه و تشکیل نظام سیاسی اسلامی دانست. هدف این پژوهش، تبیین چگونگی مدیریت جامعه مدینه، شیوه تنظیم روابط اجتماعی و جایگاه قانون در حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. یافته های پژوهش نشان می دهد که پیمان نامه مدینه فراتر از یک قرارداد اجتماعی، الگویی برای اداره جامعه ای چندگروهی و پایه ای برای شکل گیری نظام سیاسی مبتنی بر اصول اسلامی بوده است.

کلید واژه ها: عصر نبوی، پیمان نامه مدینه، حکومت اسلامی، قانون اساسی، دولت نبوی، مدینه النبی.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش هفتم، ۲۰۱۹؛ شیوه APSA)

ماکویی برند آبادی، محمد حسین؛ شهریار، راضیه؛ رضائی، رمضان (بهار ۱۴۰۵). «مبانی اتحاد تاریخی و یکپارچگی اجتماعی و سیاسی عصر نبوی در قالب نخستین قانون اساسی مدینه النبی صلی الله علیه و آله». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال نهم، شماره ۱، پیاپی ۳۳، صص ۵۴-۱۹.

^۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل: m.makooei@ut.ac.ir

^۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل: rezayi@ut.ac.ir

^۳. دانشیار گروه مدرسی معارف، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل: rezayi@ut.ac.ir

 کپی رایت © ۲۰۱۰، SSSI (اندیشه مطالعات راهبردی شیراز). این متن، مقاله ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می دهد این اثر را با رگرایی کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

تنها سند باستان شناسی که به صورت دقیق می توانیم مدینه را توسط آن بررسی کنیم اسنادی است که مربوط به مسجدالنبی است. نقشه ها و پلان های دقیق این مسجد به صورت کامل از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ثبت شده است. از طرف دیگر در سوره احزاب آیه ۲۱ از پیامبر به عنوان اسوه حسنه یاد شده است و بیان می کند که می توانیم در همه زمینه ها به پیامبر به عنوان یک منبع و اسوه حسنه رجوع کنیم. اگر بخواهیم شهر اسلامی اصیل را بررسی کنیم، مدینه بهترین منبعی است که پیامبر صلی الله علیه و آله به مدت ۱۰ سال در آنجا اقامت داشته و ما می توانیم روش ایشان در این شهر را به عنوان اسوه مورد بررسی قرار دهیم.

در این پژوهش از بعضی از منابع مستشرقین استفاده شده است. در میان سندهای موجود، یکی پلان مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله است و سند دیگری به نام قانون اساسی مدینه موجود است. پیامبر وقتی به یثرب می روند پیمانی با سران یثرب منعقد می کنند که از آن به عنوان قانون اساسی یثرب یاد شده است. اما این قانون اساسی چه بود و مبنای چه تحولی در یثرب شد، که یثرب را به مدینه النبیه تبدیل کرد و مایه مباهات اسلام و الگوی حکومت اسلامی شد باید مورد بحث قرار گیرد. در مورد یثرب قبل از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، اسناد خیلی کمی وجود دارد، ساکنین یثرب قبایل عرب و یهود و اقلیتی هم مسیحی بودند. زندگی در یثرب تا زمان ورود پیامبر به صورت قبیله ای و فاقد چارچوب سیاسی و ساختار و زندگی اجتماعی بوده است. در زمان هجرت پیامبر در یثرب، دو قبیله عرب به نام های «اوس» و «خزرج» و سه قبیله یهود به نام های «قینقاع»، «بنی قریظه» و «بنی نضیر» زندگی می کردند. بازار مهمی در یثرب وجود داشته که این بازار از آن قبیله «قینقاع» بوده است. یهودیان چون سابقه حضور تاریخی بیشتری داشتند، دارای قلعه های محکم و بزرگی بودند و بنی قریظه و بنی نضیر بیشتر در صنعت کشاورزی پیشرو بودند.

بعد از سلطه دو قبیله عرب در یثرب بین این دو قبیله جنگ ها و درگیری های زیادی در گرفت. پیامبر بعد از اینکه تصمیم به مهاجرت از مکه گرفتند به دلیل بعد مسافت و نزدیکی شهر طائف به مکه، این شهر را به عنوان مقصد انتخاب کردند اما بعد دریافتند که مشکلات طائف هم از مکه کمتر نیست. و بنابراین باید مقصد دیگری را برای حفظ و گسترش دعوت خود انتخاب می نمود و از طرفی در جنگ بین دو قبیله عرب، سران قبیله کشته شده بودند و بدین وسیله سران قبایل در یثرب از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست کردند به عنوان داور و حکمیت وارد یثرب شود. در نهایت توافقی بین پیامبر و پیروانشان و قبایل یثرب در چارچوب قانون اساسی یثرب نوشته شد که از نقش تاریخی و اهمیت فوق العاده ای در مناسبات و تحولات سیاسی و اجتماعی مدینه عصر پیامبر صلی الله علیه و آله دارد. این پژوهش بنا دارد تا حدودی این مناسبات و مبنای موفق این سیاست داخلی را در موازات با سیاست خارجی را بر مبنای قانون اساسی عصر نبوی مورد بررسی قرار داده و با نگاه مساله محوری به نقش

سازنده و موفق این منشور در روابط بین مسلمانان و قبایل مدینه و اداره جامعه اسلامی و چگونگی تشکیل شدن یک حکومت قانون مدار بپردازد.

۲. ساختار نظام سیاسی و حکومتی اسلام

قانون اساسی عالی ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون اساسی تعریف کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور و تعیین و تضمین کننده حقوق شهروندان کشور است. نکته مهم این است که هیچ قانونی نباید با قانون اساسی کشورها مغایرت داشته باشد. ساختار نظام سیاسی در سایه قانون اساسی شکل می گیرد و مجموعه ای به هم پیوسته از فعالیت های سیاسی است که شمار بزرگی از کارگزاران و با هدف خاصی آن را تعهد کرده و انجام داده اند. این سیستم از عناصری مرتبط تشکیل شده است که هر کدام به تنهایی بخشی از نظام سیاسی اسلام را تشکیل دادند؛ این ویژگی سیستم سیاسی را عناصر ساختاری یا به طور کلی «ساختار» نظام سیاسی اسلام می نامند. در این راستا بازیگر اصلی قانون اساسی است که رابطه حقوقی بین حکومت، فرد، و جامعه را بیان می کند.

به عبارت دیگر، قوانین اساسی مجموعه ضوابط و موازینی است که روابط دولت و حکومت را با اتباع یک سرزمین مشخص می سازد. این چنین قانون اساسی برپایه اجتماع، اجماع و موافقت شهروندان و ساکنان یک کشور و اتباع یک نظام سیاسی و بین رهبران و مردم مشروعیت می یابد و بنابراین، با قوانین و فرامین نظام ها، امپراتوری ها، و شاهان که منحصر به طرز اجرای احکام آنان بوده و با وراثت تخت و تاج و حقوق طبقات مختلف جامعه بوده، متفاوت است. مجموعه قوانین و فرامین و احکام سومری ها تحت نظر حمورابی و شاهان و امپراتوری های بابل و فینیقی ها، مصری ها، یونانی ها، رومی ها و ایرانیان در تاریخ و عهد باستان گرچه در زمان خود مهم و تا حدودی عمومیت پیدا کردند، در حقیقت فاقد شرایطی بودند که بتوان آن را تحت قانون اساسی تعریف شده در این مقوله گنجانید، به ویژه از جنبه یک قرارداد اجتماعی و سیاسی مورد قبول بین حکومت و فرد و جامعه است (فیرحی، ۱۳۸۶: ۱۵).

۳. حقوق اساسی در جهان و ایران

۳-۱. پیشینه قانون اساسی در غرب

در سال ۱۸۷۷ «ارنست سارزک» باستان شناس فرانسوی در اکتشافات باستان شناسی خود در میان رودان (بین النهرین) شواهدی را از وجود نوعی قانون باستانی دادگستری در تمدن سومریان (۲۳۰۰ سال پیش از میلاد) به دست آورد. بطور کلی قدیمی ترین قانون مکتوب کشف شده

در جهان قانون «اورنامو» است که حدود ۲۰۵۰ تا ۲۱۰۰ سال پیش از میلاد به دستور یکی از پادشاهان شهر اور روی لوح سفالین حک شده است. از جمله قوانین دیگر در منطقه میان رودان که نسخه‌ای از آن بر روی لوحی سنگی حفظ شده است، قانون «حمورابی» پادشاه بابل می‌باشد که در حدود ۱۷۶۰ پیش از میلاد مسیح تدوین شده است. یکی از مجموعه قوانین مشهور باستانی، منشور کوروش پادشاه هخامنشی ایران است که در سال ۵۳۹ پیش از میلاد پس از فتح شهر بابل به دستور وی نگاشته شد. از این منشور به عنوان نخستین منشور حقوق بشر جهان نام برده می‌شود و نسخه بدل آن در مقر سازمان ملل متحد نگهداری می‌شود. در سال ۶۲۱ پیش از میلاد، نخستین قانون دولت-شهر آتن توسط دیوری به نام «دراکو» نوشته شد. این قانون بسیار خشن بود و در آن مجازات مرگ برای تمام جرایم در نظر گرفته شده بود. قانون اساسی آتن در سال‌های ۵۹۴ و ۵۰۸ پیش از میلاد، به ترتیب توسط «سولون» حاکم آتن و «کلیستنس» که یک اشراف زاده بود تغییر داده شد. در روم نخستین بار امپراتور «تئودوسیوس» در سال ۴۳۸ مجموعه قوانین مشخصی برای اداره امپراتوری روم تدوین کرد. یک قرن بعد در سال ۵۳۴ میلادی، «ژوستینیان یکم» امپراتور بیزانس (روم شرقی) مجموعه‌ای از قوانین را تدوین و به اجرا گذاشت که در طول زمان تبدیل به تاثیرگذارترین قانون در اروپای قرون وسطی شد. این مجموعه، از قوانین پیشین امپراتوری روم الهام گرفته بود و به عنوان نطفه قانون مدنی مدرن اروپا شناخته می‌شود.

در سال ۱۶۳۹ میلادی، مستعمره کنتیکت در آمریکای شمالی قانونی را تهیه و در مرزهای خود به اجرا گذاشت این قانون توسط فرماندار مستعمره کنتیکت برای تایید چارلز دوم پادشاه انگلستان به لندن برده شد و پس از تایید بصورت منشور سلطنتی درآمد و لازم‌الاجرا شد. در آن زمان، بریتانیایی‌ها به این قانون به عنوان ضامن بقای نظم و ترتیب در مستعمره کنتیکت نگاه می‌کردند، اما بخش‌هایی از آن بعدها الهام‌بخش قانون اساسی ایالات متحده آمریکا شد. از این قانون به عنوان یکی از اولین قوانین اساسی منسجم در غرب و نخستین قانون اساسی در آمریکای شمالی یاد می‌شود و به همین دلیل به ایالت کنتیکت در کشور آمریکا لقب «ایالت قانون اساسی» داده‌اند. قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۸ تهیه شد و رسمیت یافت. این قانون برای اداره نظام چند ایالتی خود از نظام سیاسی اتحاد پادشاهی‌ها در بریتانیای کبیر الهام گرفته بود. علاوه بر آن، عقاید پلی‌بیوس فیلسوف یونانی، جان لاک فیلسوف تجربه‌گرای بریتانیایی، و «شارل دو مونتسکیو» متفکر فرانسوی، تأثیر زیادی بر قانون اساسی ایالات متحده آمریکا داشته است.

در عصر روشنگری اروپا و در طول چهل سال از سال ۱۷۵۰ تا ۱۸۰۰، چندین قانون اساسی مدرن و تاثیرگذار ظهور پیدا کردند. قانون‌های اساسی جمهوری کُرس و کشور سوئد، نخستین نمونه‌های قانون اساسی مدرن پس از دوران روشنگری هستند. در سال ۱۷۵۵ جمهوری خودمختار کُرس قانون اساسی مدنی را تدوین و به اجرا گذاشت. این قانون اساسی تحت تأثیر افکار ژان ژاک روسو و توسط پاسکال پائولی و همکارانش به زبان ایتالیایی نگاشته شد. از قانون اساسی کرس به

عنوان نخستین قانون اساسی مدرن معاصر نام می‌برند. این قانون اساسی ۱۴ سال در کُرس رسمیت داشت تا اینکه فرانسه این کشور را در سال ۱۷۶۹ ضمیمه خاک خود کرد. در سال ۱۷۹۱، قانون اساسی لهستان-لیتوانی و قانون اساسی فرانسه تهیه و به اجرا گذاشته شد. پادشاهی بلژیک (۱۸۳۱)، لیبریا (۱۸۴۷)، لوکزامبورگ (۱۸۶۸) و کنفدراسیون سوئیس (۱۸۷۴) از نخستین کشورهایی بودند که پس از آن اقدام به تدوین قانون اساسی برای خود نمودند. اولین قانون اساسی در مشرق زمین در سال ۱۸۷۶ م (۱۲۹۳ ق) در عهد سلطان عبدالحمید عثمانی (۱۸۷۶-۱۹۰۹) به نام مشروطه توسط مدحت پاشا و جمعی از متفکرین با هدف تلطیف حکومت مطلقه سلطنتی نوشته شد. قدیمی‌ترین قانون اساسی ملی که هنوز اجرا می‌شود در سال ۱۶۰۰ میلادی نوشته شده و متعلق به جمهوری سان مارینو در جنوب اروپا است (حمیدالله، ۱۴۰۷ ق/۱۹۸۷ م).

۲-۳. قانون اساسی در ایران

نخستین قانون اساسی در ایران، قانون اساسی مشروطه بود که در ۸ دی ۱۲۸۵ شمسی (۱۴ ذیقعد ۱۳۲۴ قمری) به امضای مظفالدین شاه رسید. مظفالدین شاه قاجار در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی (۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ قمری) فرمان مشروطیت را امضا کرد. ریشه انقلاب مشروطه شاید در انعقاد قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای باشد، اما شروع قطعی ماجرا بعد از به چوب بستن بازرگانان به جرم گران کردن قند و چاپ عکس «مسیو نوز» بلژیکی در لباس روحانیون بود که اعتراض مردم و روحانی‌ها را در پی داشت (نجفی و فقیه حقانی، ۱۳۸۱: ۲۷۳ و ۲۷۴). مظفالدین شاه بیمار که مجلس اول را در کاخ گلستان گشود، ۱۰ روز پس از امضای قانون اساسی با ۵۱ اصل، درگذشت. این قانون عموماً مربوط به طرز کار مجلس شورای ملی و مجلس سنا می‌شد، به همین دلیل در آغاز به نظامنامه نیز مشهور بود بعد از مدتی «متمم قانون اساسی» تهیه شد و به تصویب مجلس رسید محمدعلی شاه از ابتدای تاج گذاری و نشستن بر تخت سلطنت بر علیه مجلس شورای ملی و مشروطه خواهان اقدام کرد. هدف وی این بود که مجلس شورای ملی، مجلس فرمایشی و بله قربان گو باشد و صرفاً قانون گذار باشد و در جامعه نمود دیگری از مشروطه نداشته باشد و این درست برعکس خواسته مشروطه خواهان بود. آنان خواهان مشروطه پارلمانی بودند. و محمدعلی شاه نیز آن را در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ه. ق. امضا کرد پس از آن نیز در چند نوبت با تشکیل مجلس مؤسسان برخی از مواد این قانون تغییر کرد (کسروی، ۱۳۹۵: ۲۱۷). این قانون و متمم آن تا سال ۱۳۵۷ که حکومت پادشاهی پهلوی (محمدرضا شاه) در ایران برافتاد، قانون اساسی ایران به شمار می‌رفت.

۳-۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و برگزاری اولین انتخابات که منجر به تعیین نوع حکومت و تشکیل جمهوری اسلامی شد، بحث راجع به قانون اساسی نظام گسترش یافت. پیش‌نویس قانون اساسی که به دستور امام رحمت‌الله‌علیه نگارش یافته و توسط شورای انقلاب و دولت موقت مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود، جهت جلب آرا و انظار مردم و اندیشمندان در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۴ در روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شد. با تأکید حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بر تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی جهت بررسی نهایی قانون اساسی، قانون انتخابات این مجلس تصویب شد و این انتخابات در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ برگزار شد و ۷۵ نفر نماینده این مجلس انتخاب شدند. مجلس خبرگان قانون اساسی در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با پیام حضرت امام رحمت‌الله‌علیه افتتاح گردید. این مجلس موفق شد با درایت و مدیریت شهید دکتر بهشتی پس از سه ماه تلاش و فعالیت بی وقفه، کار تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ در دوازده فصل و ۱۷۵ اصل و یک مقدمه و مؤخره به انجام رساند و در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۱۲ به تصویب نهایی ملت ایران رسید. این قانون در سال ۱۳۶۸ مورد بازنگری قرار گرفت و در ۶ مرداد در همه پرسی قانون اساسی ایران در ۱۳۶۸ به تأیید اکثریت مردم ایران رسید (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۳۸-۱۱۰).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به‌سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برپایه احکام نورانی دین اسلام تدوین شده است یکی از مترقی‌ترین قوانین جهان و به‌عنوان میثاق ملی، پیش‌روی ما قرار دارد (مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فصل اول-اصول کلی، ۱۳۹۵).

۴. نخستین قانون اساسی مدون در مدینه النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله

یکی از اسنادی که مایه تفاخر تمام مسلمانان جهان محسوب می‌شود، قراردادی است که در اولین سال هجرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه، توسط آن بزرگوار تنظیم شده و ضمن آن که نخستین قانون اساسی مدون جهان به شمار می‌آید، حکم یک نوع بیمه اجتماعی برای نیازمندان آن شهر را نیز داشته است. پیمان‌نامه مدینه که زمان کوتاهی بعد از هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه بین ایشان و ساکنان مدینه منعقد شد، به‌عنوان قانون اساسی مدینه نیز شناخته می‌شود. این پژوهش با

محور قرار دادن این پیمان نامه به دنبال فهم بهتر عملکرد نبوی در مدیریت و قانونمند ساختن جامعه مدینه است. این سند را که توسط یک مورخ آلمانی کشف و شناسایی شده، «پروفسور محمد حمیدالله» به انگلیسی برگردانده و طی مقاله‌ای اعتبارش را اثبات کرده است. پروفسور حمیدالله که در فاصله سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۸ ضمن کنفرانس‌های متعدد در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی استانبول کوشیده در حد امکان به ارزیابی سند بپردازد، در پاسخ به کسانی که صحت سند و اعتبار آن را پذیرفته، اما معتقدند با همه اهمیتی که دارد نمی‌تواند اولین نمونه از نوع خود در جهان باشد، اظهار داشته است: نوشته سولون در شهر آتن را نمی‌توان قانونی مدون به‌شمار آورد، زیرا سولون منصب فرمانروایی یا پادشاهی نداشت. بلکه عضوی از هیأت حاکمه یونان بود که تغییراتی در قانون کشور را مطرح ساخت و پیشنهادش مورد موافقت قرار گرفت. درحالی که هیچ مدرکی وجود ندارد که ثابت کند آن تغییرات مکتوب شده است.

حمیدالله، به مجموع قوانین بازمانده از دنیای قدیم، یا قوانینی که نام و مشخصات آنها به روزگار ما رسیده، اشاره کرده و نوشته است: از میان آن همه نوشته، فقط رساله ارسطو که در روزگار معاصر کشف شده و در سال ۱۸۹۱ به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر شد باقیمانده، که آن هم به صورت نصیحت‌نامه‌ای برای امرا و شاهزادگان، یا به شکل مباحث تاریخی است و نمی‌تواند به‌عنوان قانونی دولتی تلقی شود که توسط هیأت حاکمه‌ای تنظیم شده است (حمیدالله، همان؛ نشریه گلستان قرآن شماره ۸۳، موسوی‌فر). در اولین سال هجرت، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله طرحی تهیه فرمود که در آن از وظایف، حقوق و تعهدات حاکم و نیز سایر احتیاجات اولیه نیازمندان بحث شده بود. این سند که متن کامل آن در منابع معتبرمانند سیره ابن اسحاق آمده است شامل ۵۲ ماده و نمونه بسیار خوبی از زبان قضایی، حقوقی و شیوه نگارش در زمان تنظیم سند است و به نظر می‌رسد مسیحیان اروپایی، اهمیت آن را بیشتر از مورخان مسلمان درک کرده‌اند. زیرا بسیاری از محققان آلمانی، هلندی، ایتالیایی و انگلیسی نظیر ویلموزن، مولر، گریم، اشپرنگر، ونسینگ، کیتانی، بوهل و... ضمن آثارشان به آن استناد کرده‌اند (حمیدالله، همان: ۲۶).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با هجرت خود به مدینه و تأسیس اولین نظام و حکومت اسلامی و با پیمانی که با ساکنان و رهبران و گروه‌های مختلف آن شهر و سرزمین عقد و تنظیم و امضا کرد اولین قانون اساسی تدوین شده دنیا را به وجود آورد. پیمان نامه پیامبر اسلام با مهاجر و انصار و دیگران، که گاهی به نام «منشور مدینه» نیز از آن یاد شده است در حقیقت مرزهای حقوقی جامعه سیاسی مدینه را تعیین کرده و روابط بین حکومت، فرد و جامعه را در اولین نظام اسلامی تبیین کرد. این پیمان نامه مدینه اولین قانون اساسی تدوین شده در تاریخ توسط یک رهبر دینی و سیاسی و آغاز تأسیس و استقرار یک نظام و حکومت الهی در مسیر مردم‌سالاری اسلامی است. برعکس قوانین و فرمان‌ها و دستورات سیاسی تاریخ باستان که تماماً ناقص، ناتمام و اغلب بر کتیه‌ها و سنگ‌ها نگارش یافته و یا به‌صورت شفاهی ضبط شده و در دسترس ماست، پیمان نامه مدینه سند کتبی و

نوشته شده‌ای است که در نشست پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله با اقوام و طوایف آن زمان منعقد شد و اصل آن کاملاً در تاریخ دینی و سیاسی جهان باقی مانده است (فیرحی، همان: ۷۰).

در یک نظام سیاسی مؤلفه‌هایی؛ چون ساختار، اهداف و کار ویژه‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرند؛ اما آن چه هم اکنون به بررسی آن می‌پردازیم؛ ساختار نظام سیاسی نبوی است. در خصوص این ساختار به چهار شاخصه اصلی توجه می‌شود؛ به نظر می‌رسد تعریف دولت و حکومت و نظام از منظر حقوقی اینگونه می‌باشد که هر واحدی که دارای اول جمعیت و دوم حکومت و سرزمین و حاکمیت باشد، مؤلفه‌های تشکیل حکومت و دولت را دارا می‌باشد. قلمرو و مرز حکومتی، رهبری، کارگزاران و مردم از این سنخ اجزای تشکیل دهنده حکومت می‌باشند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای ابلاغ رسالت خویش و از طرفی به جهت جهان شمول بودن دین اسلام نیازمند یک اقتداری بود که جز در سایه تشکیل یک حکومت دینی امکان‌پذیر نبود در همین راستا ایشان برای ابلاغ رسالت خویش و ایجاد حکومت اقداماتی انجام دادند (نصیری، بی‌تا: ۴۵؛ هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱). ابتدا در همین راستا به طور اجمال در مورد حقوق و تکالیف و نقش حاکمیت، کارگزاران و مردم در نظام سیاسی و حقوقی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه پرداخته می‌شود و به اقدامات تأسیسی و سیاسی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره می‌شود و به بررسی حکومت و تشکیل نظام سیاسی و حقوقی نبوی پرداخته می‌شود.

۵. اقدامات تأسیسی پیامبر برای ایجاد نظام سیاسی

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از آزار و اذیت قریش و مشرکین ناچار از مکه به مدینه مهاجرت کرد؛ زیرا در مدینه فضای مناسبی برای ابلاغ رسالت خویش داشت. اولین اقدام تأسیسی ایشان که قبل از ورود به مدینه بود، برقراری پیمان عقبه اول و دوم و تعیین نقبا بین اوس و خزرج بود؛ محتوای پیمان عقبه دوم، سیاسی و اجتماعی بود و در مقابل این پیمان نامه آنان تعهد کردند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را در مقابل دشمنان یاری نموده و از او حمایت کنند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ابراز داشتند: خون من، خون شما و حرمت من، حرمت شماست، من از شما و شما از من هستید، با هر که با شما بجنگد و با هر که با شما بسازد، می‌سازم (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ه.ق. : ج ۸۰/۱؛ بیهقی، ۱۴۰۵ ه.ق. : ج ۴۴۷/۲). محور اصلی ما در این مقاله و پژوهش این است که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله پیمان مدینه را نتیجه کنگره بزرگی از سران و رهبران و نمایندگان سه دین بزرگ ابراهیمی (اسلام، یهودیت، و مسیحیت) بود که در حضور پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه تشکیل گردید. پیمان مدینه حاوی ۵۲ جمله و سطر و در حقیقت متشکل از ۵۲ ماده و بند است که به زبان حقوقی آن زمان تدوین یافته و تکالیف و مسئولیت شهروندان و گروه‌های مختلف و ساکن مدینه را در مواردی مانند همگرایی و اتحاد،

جنگ و صلح، اقتصاد و رفاه، مالیات، کیفر و قصاص، اقلیت‌ها، حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، و مساوات و عدالت تبیین می‌کند.

پیمان مدینه یا قانون اساسی مدینه بود که شش سال بعد در بهار هجری مطابق با سال ۶۲۸ میلادی زمینه را برای عقد قرارداد معروف حدیبیه با قریش و اهل مکه فراهم کرد و عاقبت به پیروزی نظام اسلامی انجامید و شهر مکه توسط مسلمانان فتح گردید. آنچه پیمان مدینه را اولین قانون اساسی تاریخ می‌کند ویژگی‌های شگفت‌آور زمانی و کلامی است که بدان روح و جان می‌بخشد، ویژگی‌هایی که قوانین و اسناد قبل از اسلام (مانند قوانین سومری‌ها، بابلی‌ها، رومی‌ها، یونانی‌ها و ایرانیان باستان) از آن تهی بودند و ویژگی‌هایی که نظام و حکومت‌های مدرن چند قرن اخیر دنیای غرب (مانند انگلستان، فرانسه، و آمریکا) در تدوین قانون اساسی خود و مشروعیت آن به خود می‌بالند. این ویژگی‌های حقوقی و سیاسی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

(۱) قانون اساسی نتیجه مشارکت، مشورت، همکاری و موافقت طبقات و گروه‌های مختلف در جامعه بوده و بر مبنای اجماع و نشست و کنوانسیون و مجلس موسسان و غیره تدوین می‌یابد و از این جهت با قوانین و احکام و فرمان‌های شاهان و امپراتوری‌ها تفاوت کلی دارد.

(۲) قانون اساسی پایه نظام و حکومت جدید التأسیس است و نه تأیید و تحکیم رژیم و نظام‌های کهنه و موروثی.

(۳) قانون اساسی بذر وفاق و وحدت عمومی را آبیاری می‌کند و سند و قراردادی است در مورد حقوق فرد، گروه، جامعه.

(۴) قانون اساسی حقوق قوای مجریه، قضاییه و مقننه را تبیین می‌کند و اصول قوانین کیفری و مجازات را آشکار می‌سازد.

(۵) قانون اساسی اصول مربوط به مالکیت، آزادی بیان، مساوات، عدالت، دین، نژاد، زبان و پرچم را روشن می‌کند.

(۶) قانون اساسی طریق انتخاب و انتصاب رهبر، نمایندگان و وظیفه و مسئولیت‌های آنان را تعیین کرده و حدود دیوان سالاری، بودجه و مالیات و تصمیم‌گیری در مورد امنیت، امور نظامی، صلح، جنگ و قوانین مربوط به امور داخلی و سیاست خارجی را که با اصل حاکمیت و مشروعیت مربوط است بیان می‌کند (زرگری نژاد، ۱۳۹۵: ۳۷۵).

۶. تأسیس مسجدالنبی گامی در جهت استقرار حکومت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

ساخت مسجدالنبی اقدام تأسیسی دیگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از ورود به مدینه است؛ پیامبر با تأسیس چنین پایگاهی علاوه بر ایجاد مکانی برای عبادت، رسیدگی به دعای مردم و یک پایگاه حکومت در مدینه و مقر استقرار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. پیامبر به خوبی می‌دانست برای ایجاد حکومت نظام‌مند می‌بایست بین قبایل اتحاد ایجاد کند. از همین رو با برقراری عقد اخوت میان مهاجر و انصار به اختلافات قبیله‌ای پایان داد (ابن کثیر دمشقی، بی‌تا: ج ۳/۲۷۴). این اقدام پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله حاوی پیامی است که رابطه دین، تمدن و حکومت به عنوان عنصر اصلی حیات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فکری بشر از دیدگاه‌های گوناگون، به‌ویژه تمدن اسلامی را مورد مطالعه قرار می‌دهد و فرصتی است بسی ذی قیمت که تاریخ سیاسی، حکومتی و حقوقی اسلام را به روی ما بگشاید.

بخش اعظم پایه‌های تفکر و حقوق تمدن ما مبتنی بر اندیشه دینی است و تکامل اندیشه دینی با ظهور ادیان توحیدی به مثابه فرایندی فرهنگ‌ساز، تاریخ بشر را تشکیل داده و فرهنگ سیاسی را در بستر حکومت به درجات متعالی سوق داده است. در همین راستا اقدام بعدی ایشان پیمان‌نامه عمومی است که می‌توان آن را به عنوان قانون اساسی مدینه هم نامید (زرگری‌نژاد، همان: ۳۷۹). در سیره ابن هشام آمده است که جامعه مدینه در آن روز متشکل از یهودیان، قبایل عرب، مشرکان و منافقان بود و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قوانین و حقوقی برای همه گروه‌ها و هر کدام به‌طور جداگانه وضع نمودند که در همان پیمان‌نامه عمومی بود؛ هیچ مشرکی مال و جان کسی از قریش را پناه نمی‌دهد و یا در قسمتی دیگر بیان می‌دارد: یهودیان بنی‌عوف در کنار مؤمنان گروه مستقلی را تشکیل می‌دهد و هم‌چنین به حقوق اقوام دیگر یهود نیز در این پیمان‌نامه اشاره شده است (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۳).

۷. اهمیت و جایگاه قانون اساسی مدینه النبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله

دستور المدینه که با نام‌های دیگری از جمله صحیفه النبوی، صحیفه المدینه، پیمان مدینه، یا قانون اساسی مدینه نیز شناخته می‌شود، از مهمترین اقدامات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دانسته شده که از یک سو مناسبات مسلمانان با غیرمسلمانان مدینه را تنظیم می‌کرد و از سوی دیگر، قواعدی اساسی برای مناسبات میان مسلمان‌ها وضع کرده است؛ از این رو، پیمان‌نامه مدینه، دستورالعملی برای تبیین اصول مناسبات درونی و بیرونی در دولت نوپای اسلامی دانسته می‌شود. این پیمان همچنین به منزله یکی از پیشرفته‌ترین شیوه‌های حل اختلاف با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی دانسته شده که منجر به صلحی ماندگار در جامعه شده است. برخی پژوهشگران و تاریخ‌نگاران معاصر، دستور المدینه را سندی بسیار مهم و صادر شده از جانب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دانسته و معتقدند می‌تواند منبعی برای

شناخت مناسبات جامعه در آغاز تاریخ اسلام در مدینه باشد. بر اساس پیمان مدینه، پیامبر، مرجع اعلام جنگ یا صلح، و همچنین تنها مرجع حل و فصل اختلافات در مدینه است. این پیمان همچنین علاوه بر متحد کردن مسلمانان، مانع همکاری یهودیان با قریش و دیگر دشمنان اسلام شد (بیات، ۱۳۸۶: ۸۹).

۸. قانون اساسی مدینه النبی صلی الله علیه و آله نگاهی به مفاد

این پیمان نامه شامل ۵۲ بند است که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را انشاء کرد. ۲۵ بند آن مربوط به امور مسلمانان و بقیه آن درباره ارتباط میان مسلمانان و پیروان ادیان دیگر به ویژه یهودیان و بت پرستان است. در ابتدا به برخی از مواد قانون اساسی مدینه که بخشی از آن درباره روابط مسلمانان با یکدیگر و بخشی دیگر درباره روابط مسلمانان و یهودیان است و در ادامه متن کامل و بندهای قانونی قانون اساسی مدینه را محل مناسب ذکر می شود. برخی از این مواد عبارتند از:

این، نوشته و پیمان نامه ای است از محمد پیامبر، تا در میان مؤمنان و مسلمانان قبیله قریش و مردم یثرب و کسانی که پیرو مسلمانان شوند و به آنان پیوندند و با ایشان در راه خدا پیکار کنند به اجرا درآید. در اینجا پیامبر صلی الله علیه و آله خود را پیامبر خطاب می کند و حال آنکه در صلح حدیبیه اجازه این خطاب را مشرکین ندادند.

مهاجران قریش همانند پیش از اسلام، خون بها می پردازند و با رعایت نیکی و دادگری در میان مؤمنان، اسیر خود را رها می سازند. قبیله بنی عوف، بنی حارث، بنی ساعده، بنی جشم، بنی نجار، بنی عمر بن عوف، بنی نبیت، و بنی اوس، همچون گذشته خون بها می پردازند و هر گروهی به شیوه مؤمنان، با نیکی و دادگری، اسیر خود را آزاد می سازد.

پیروان اسلام نباید مسلمانی را در پرداخت خون بها یا فدیة سنگین تنها گذارند.

همه مؤمنان پرهیزگار باید در برابر هر مسلمانی که ستم کند، یا از راه ستمگری چیزی از ایشان بخواهد و یا آهنگ دشمنی و تباهی میان مؤمنان را در سر بپرواند، همداستان به ستیز برخیزند، هر چند وی فرزند یکی از ایشان باشد.

پناه خدا برای همگان یکسان است و فرودست ترین مسلمانان، کافران را پناه تواند داد اما هیچ کس نباید به قریش و یاران ایشان پناه دهد. مؤمنان در برابر دیگران یاور یکدیگرند.

هر گاه از روی دلیل ثابت گردد که کسی مؤمنی را بی گناه کشته است، باید او را به قصاص کشت، مگر آنکه صاحب خون به ستاندن خون بها راضی شود؛ و همه مؤمنان باید ضد قاتل باشند و باید علیه او به پا خیزند.

تا آنگاه که مؤمنان با دشمن در پیکارند، یهود نیز باید در پرداخت هزینه جنگ با مؤمنان همراه باشند.

یهود بنی عوف، خود و بستگانشان امتی همراه با مسلمانان هستند؛ دین یهود از آن ایشان و دین مسلمانان از آن مسلمانان است؛ مگر کسی که با پیمان شکنی ستم کند و راه گناه در پیش گیرد که چنین کسی جز خود و خانواده اش را تباه نخواهد ساخت.

یهود بنی نجار، بنی حارث، بنی ساعده، بنی جُشم، بنی الأوس، بنی ثعلبه و بنی شطیبه، همسان با قبیله بنی عوف اند. روشن است که راستی و استواری بر پیمان، با پیمان شکنی یکسان نیست. هیچ یک از آنان جز به اجازه محمد صلی الله علیه و آله، نباید بیرون رود (ابن هشام، همان: ج ۳/۱۵۰-۱۵۵).

پیداست که این پیمان نامه و نوشته پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله، در پیکار با دشمنان است و برآورد شد است که، هزینه یهود بر عهده خود آنان و هزینه مسلمانان بر عهده خود ایشان خواهد بود؛ و بر هر دو گروه است که در برابر کسی که با شرکت کنندگان در این پیمان نامه به ستیز برخیزد، با هم یاری یکدیگر پیکار کنند. نیز باید راستی و نیکخواهی و نیکی، بی هیچ پیمان شکنی میان ایشان استوار باشد. ستمگر یا پیمان شکنی را از کیفر باز نخواهد داشت. نیز روشن است که هر کس از مدینه بیرون رود و هر که در مدینه بماند در امان خواهد بود؛ مگر کسی که ستم کند و پیمان شکند. خدا و پیامبر محمد صلی الله علیه و آله پناهگاه پرهیز گاران و استواران بر پیمانند (بیات، همان: ۱۴۰).

۹. ارزیابی محتوایی و نکات بسیار مهم مفاد قانون اساسی پیامبر صلی الله علیه و آله

به هر حال این سند متضمن مسائل مهم و اساسی در زمینه روابط افراد در جامعه نوپای اسلامی است. به عنوان مثال تحلیل هایی را مورد توجه قرار می دهیم که به خوبی و زیبایی مورخ گرامی و متبحر جهان اسلام جعفر مرتضی عاملی نویسنده کتاب سیرت النبی آورده است. ایشان می نویسد: برخی مدعی اند که این نظام نامه یک سند نیست، بلکه عبارت است از چند سند و عهدنامه جداگانه که برخی پیوست همدیگر شده است. اینان معتقدند که این اسناد در دو مرحله نوشته شده است؛ در این مرحله به موجب همین سند عناصر مختلف قبایل عرب تحت زعامت و رهبری پیامبر صلی الله علیه و آله متحد شده، به صورت یک ملت یکپارچه درآمدند. قدرت و همبستگی این امت واحده برای اعمال فشار بر یهودیان به منظور کسب همکاری و تعاون آنان برای رویارویی با هر گونه فشار خارجی، به کار گرفته شد است. در این سند تأکید شده که مسلمانان به رغم اختلاف قبایل و وابستگی ها و تفاوت سطوح، و میزان و نوع خواسته ها، و به رغم اختلاف وضعیت اجتماعی و معیشتی هر کدام، یک امت واحده هستند. این قرارداد دارای ابعاد سیاسی و آثار حقوقی است. چنان که بر وضعیت سیاسی و اجتماعی، و حالت روانی، عاطفی، فکری، معیشتی و همه جنبه های زندگی، به طور عام تأثیر می گذارد. مسئولیت مهاجرین و انصار در قبال فدیة اسیران خود، بر اساس اصول

نیکوکاری و عدالت به این معنی است که در هر قبیله حس تضامن اجتماعی و نوعی رابطه در میان افراد هر یک برقرار خواهد بود تا به هنگام بروز حوادث و پیشامد هرگونه خطری از همدیگر دفاع نمایند و به یاری حادثه دیدگان بروند. مسئولیت دفع ظلم و ستم بر عهده همگان قرار گرفت و فقط به ستم دیده اختصاص نداشت. شاید این ماده به لحاظ آثاری که در بنیه اجتماعی جامعه بر جای می گذاشت و ارتباط آن با تصمیمات و مواضع سیاسی و تعاطی و اعمال ظلم و ستم حاکمان، و نیز بازتاب مثبت یا منفی قراری که مقاومت و مبارزه با ظلم و ستم را مسئولیت اجتماعی می داند، نه وظیفه انحصاری حاکم و زمامدار، هر چند در موارد فراوانی به گونه ای حاکمیت و موقعیت او را نیز به خطر می اندازد؛ آری شاید از این لحاظ مهم ترین مفاد عهدنامه باشد (عاملی، ۱۳۸۴ ه.ش. : ۱۵۰-۱۸۰).

در این عهدنامه مقرر شده که مؤمنان هیچ فردی را که در اثر فشار قرض از پای درآمده باشد، بدون کمک مالی به حال خویش رها نکنند و در موضوع فدیہ اسیران نیز او را یاری دهند. عدم قصاص مسلمان به خاطر قتل کافر است. این بند تأکید می کند که شرف انسان به اسلام است. بنابراین نمی توان کسی را که در زندگی فردی و اجتماعی خود بر پایه ارزش های اسلامی عمل می کند، با کسی مقایسه کرد که نه تنها در زندگی اجتماعی و فردی بر پایه اصول انسانی خویش عمل نمی کند، بلکه اصولاً اعتقادی به این مسائل ندارد تا چه رسد که خود را در راه دفاع از آن فدا سازد.

مطابق یکی دیگر از مفاد این عهدنامه، حمایت مؤمنان از نازل ترین فرد مسلمان در موردی که به نام اسلام به کسی پناه داده باشد، قطعی است، اما اعطای پناهندگی از سوی کافران به مسلمانان پذیرفته نمی شود. تأکید شده که مسلمانان حق ندارند جنایت کاران و بدعت گزاران را یاری کنند و در پناه خویش گیرند، بلکه باید با صلابت و دوراندیشی تمام با وی و بدعت هایش مبارزه و مقاومت نمایند. پذیرش رسمی حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی یهودیان که رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عنوان یگانه مرجع رسیدگی به مشکلات فیما بین مسلمانان و یهودیان قبول کردند؛ تأکید دیگری است که در این عهدنامه مورد توجه قرار گرفته است (زرگری نژاد، همان: ۴۸۰). این سند از منافقان، مشرکان و یهودیان اقرار رسمی گرفت که فقط مؤمنان در مسیر هدایت و سلامت هستند. در حالی که همین دشمنان در میان توده های مردمی شایع می کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله برای تفرقه اندازی و پراکندگی جمع آنان و استهزای عقاید و باورهایشان تلاش می کند. در این سند اندیشه قبیله گرایی، باطل و ملغی اعلام شده است. بر پایه این تفکر بر قبیله لازم بود که در هر صورت از افراد خویش حمایت کند، اگر چه جانی و ستم کار باشند. در حالی که عهدنامه پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید داشت که همگان در قبال قاتل مسئول هستند و باید او را و هر که در هر مقامی باشد، تعقیب و دست گیر نمایند. این سند تأکید دارد که هیچ مؤمنی که معتقد به این سند باشد، حق ندارد به احدی از بدعت گران پناه دهد یا او را یاری کند. این مسأله می توانست به رواج امنیت عمومی کمک کند (عاملی، همان: ۱۷۵).

۱۰. ابعاد قانون اساسی ناظر بر اتحاد سیاسی و اجتماعی مدینه النبی صلی الله علیه و آله

این پیمان نامه به روشنی ابعاد سیاسی اجتماعی اسلام را روشن می سازد و اندیشه‌ی سکولاریزم را نفی می کند. از مهم ترین مفاهیم سیاسی اجتماعی و حقوقی که در این پیمان آمده، مفاهیم ملت، قانون گرایی، تبعیت از قوانین، آزادی اندیشه و عقیده و برابری همه احاد جامعه اسلامی نسبت به حقوق اجتماعی می باشد. مفاد اساسی این قانون را می توان در شش قسم بیان نمود که در ادامه پژوهش به آن مختصراً می پردازیم:

۱-۱۰. اعلام رسمی دین اسلام

لازم به ذکر است از جمله اولین اقدامات پیامبر صلی الله علیه و آله در ابتدای ورود به مدینه، تدوین قانون اساسی بود که در بندهای اولیه آن، به تثبیت جایگاه نظام اسلامی پرداخت و نظام سیاسی «امت» را به جای نظام قبیله‌ای اعلام کرد: «انهم امه واحده من دون الناس». پیامبر صلی الله علیه و آله در نخستین گام برای ایجاد روح برادری و همدلی در جامعه و به منظور پیشگیری از هرگونه اختلاف، در پی حاکمیت بخشیدن به قانون و تعیین مرجع قانونی برای مردم بود. اصول وفاق اجتماعی در دولت پیامبر صلی الله علیه و آله بر چند اصل راهبردی از جمله صلح، سازش، مساوات و عدالت برقرار است. بارزترین شاهد و نمونه‌ای که در این زمینه وجود دارد، پیمانی معروف به نام منشور مدینه (قانون اساسی) است که در سال اول هجری تدوین شد و به موجب آن، معاهده‌ای میان خود مسلمانان و از طرفی میان آنان و یهود اطراف مدینه منعقد گردید. در بند اول این قانون اساسی در مدینه آمده است که دین رسمی این شهر اسلام است که از قبایل اوس و خزرج و هم پیمانان آنان و مهاجران مکه شکل گرفت. براساس این بند، اسلام عامل وحدت بخش گروه‌های گوناگون جامعه‌ی اسلامی است و همه‌ی اختلاف‌ها و تمایزها در برابر اتحاد و یگانگی مسلمانان هیچ انگاشته می شود (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق. ج ۳/ ۶).

این وحدت را می توان به روشنی در این جمله از بند قانونی دید: «مسلمانان از قریش و یثرب و هر کس پیرو آنان باشد و به آن‌ها بپیوند و همراهشان به جهاد پردازد، جدا از دیگر مردم، امتی واحد را تشکیل می دهند.» تعبیر امت که در این پیمان به کار رفته، شامل مسلمان و غیر مسلمان نیز می شود و ائتلافی از همه ساکنان مدینه را در بر می گیرد و گفتنی است که اصطلاح امت نخستین بار و با الهام از کلام الهی، در این پیمان آمده است (جعفریان، بی تا: ۴۳۶؛ هیکل، ۱۹۶۸م).

۲-۱۰. نظام حقوقی مبتنی بر روابط متقابل مسلمانان

بندهایی دیگر از این پیمان نامه، به برقراری نظام حقوقی و تأمین اجتماعی جامعه اسلامی می پردازد و همراهی و یاری متقابل میان افراد جامعه اسلامی را به روشن ترین صورت بیان می کند.

بر این اساس، همه مسلمانان در برابر یکدیگر دارای مسئولیت اجتماعی هستند. احکام فقهی شریعت اسلامی به صورت‌های گوناگون، این مسئولیت و ولایت متقابل مسلمانان را اجرایی ساخته است. این بند بیان‌کننده نظام امنیت اجتماعی و رویارویی با ستم بر پایه حق مداری و اصلاح عادت و تعصب قبیله‌ای با همگرایی امت واحد اسلامی است. بند ششم این پیمان تأکید سخت اسلام بر مساوات و برابری مسلمانان را نه به عنوان یک شعار عامه پسند، بلکه به عنوان رکنی بنیادین در جامعه اسلامی، روشن می‌سازد (ابن هشام الحمیری، بی تا: ج ۲/ ۳۴۹؛ مکاتیب الرسول، همان: ۲۲۰).

از بندهای این پیمان، نکاتی تاریخی نیز برداشت می‌شود؛ مانند این که رسم یثربیان در گرفتن فدیه چگونه بوده یا آن که قصاص پیش از این پیمان نیز وجود داشته و رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را پذیرفته و تأیید نموده است. به رسمیت شناختن واحد اجتماعی قبیله، از این پیمان نامه روشن می‌شود. همچنین با انتساب رئیس حکومت به خدا با وصف (رسول الله) و این که دآوری با خدا و رسول او است، خاستگاه الهی این حکومت تبیین می‌گردد.

۱۰-۳. حق آزادی‌های دینی و روابط متقابل مسلمانان و یهودیان

از دیگر بندهای این پیمان نامه، اعطای آزادی دینی به اهل کتاب و یهود، و صلح و تعامل نظامی و امنیتی میان مسلمانان و یهودیان، ایجاد وحدت قضایی، و مدیریت بحران در جامعه اسلامی با رجوع به دآوری رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. با تعمیق در مواد قانون اساسی مدینه این روابط متقابل صلح‌آمیز زیاد به چشم می‌خورد و در بندهایی این چنین آمده است:

۱- یهودیانی که تحت این پیمان هستند، باید مورد یاری و حمایت قرار گیرند و ستمی بر آنان نشود و دشمنانشان یاری نشوند. هر گاه مسلمانان، یهود را به مصالحه دعوت کردند، باید بپذیرند و همچنین هر گاه یهود، مسلمانان را به مصالحه دعوت کردند.

۲. در هنگام جنگ، یهودیان نیز باید در هزینه با مسلمانان شرکت کنند. مسلمانان هزینه خود و یهود، هزینه خودش را پرداخت نمایند.

۳. مسلمانان و یهودیان هم پیمان، یک امت‌اند. مسلمانان دین خود را دارند و یهودیان دین خود را؛ مگر کسی که ستم و گناه مرتکب شود.

۴. بر مسلمانان و یهودیان لازم است که بر ضد دشمنان منطقه هماهنگی و همراهی نمایند.

۵. هیچ انسانی به خاطر گناه هم پیمانش مؤاخذه نمی‌شود.

۶. لازم است مظلومان را در میان خود یاری نمایند.

۷. هیچ کافری پناه داده نمی‌شود، مگر با رعایت مصالح مسلمانان و یهودیان.

۸. همسایه همانند خویشتن است و نباید مورد تعدی قرار گیرد.

۹. بر مسلمانان و یهودیان لازم است که در میان خود، بر مهاجمانی که به مدینه هجوم آورند، همیاری نمایند.

۱۰. میان مسلمانان و یهودیان پند، اندرز و خیرخواهی حاکم است (احمدی میانجی، همان: ج ۶/۳).

در دست نبودن گزارشی از درگیری و ستیز میان مسلمانان و یهودیان یاد شده در این پیمان، نشانه وفاداری آنان به این میثاق و تاثیرگذاری دراز مدت آن بر جامعه مدینه و آزادی دینی طرفین است. در این پیمان نامه، برخی بندها دو یا چند بار تکرار شده است؛ به گونه‌ای که برخی آن را مجموعه‌ای از چند قرارداد دانسته‌اند که بعدها در کنار هم قرار گرفته است (عاملی، همان: ج ۴/۲۵۴).

۱۰-۴. روح قانون مداری در قانون اساسی

از دستاوردهای این پیمان، اثبات قانون مداری جامعه اسلامی و برپایی نخستین دولت اسلام بر اساس مواد قانونی بود. این پیمان نامه به روشنی ابعاد قانونی و اسلامی را در جامعه مدینه مشخص می‌کند و برکالبد جامعه‌ی نوپای مدینه که با ورود اسلام روند جدیدی را شروع نموده است روح قانون و قانونمندی جامعه اسلامی را تزریق می‌کند. مهم‌ترین این بعد قانونی چنان که ذکر شد مدیریت روابط و مناسبات میان پیامبر ﷺ و مسلمانان با یهودیان می‌باشد. در بند ۵۰ و ۵۱ قانون اساسی مدینه چنین آمده است: یهودیان اوس همان حقوق را دارند که پیروان این سند از آن برخوردارند و پیروان این سند، بدون تعرض و تجاوز به دیگران، باید رعایت دقیق‌ترین نکات آن را بنمایند. هر کس عمل خلافی مرتکب شود، سزای آن را خواهد دید و به طور قطع خدا ضامن پرهیزگارترین افراد است و از آن کسی حمایت می‌کند که به بهترین وجه مطابق مندرجات این دستور عمل نماید. در بند ۳۸ آمده است قصاص نباید از بین برود و خون کسی نباید هدر شود و هر کس خون کسی را بریزد، زحمت آن دامن‌گیر خود و خانواده‌اش خواهد شد و خدا به بهترین وجهی به این مطلب عنایت دارد (عون شریف، ۱۴۱۱ق؛ دیاربکری، ۱۲۸۳ق؛ طبری، بی‌تا).

۱۰-۵. به رسمیت شناختن حقوق ساکنان و بومیان منطقه

پیامبر ﷺ بر حقوق ساکنان منطقه (اعم از مسلمان، یهودی و مشرک) تأکید داشتند. در بندهای این پیمان نامه آمده است که

۱- این پیمان نمی‌تواند به عنوان سپری برای ستمگر با گناه کاری محسوب شود.

۲. یثرب بر حسب این پیمان بر تمامی اهل منطقه، حرم (و مورد احترام) است؛ چنان که مکه بر حسب فرمان الهی حرم می‌باشد

۳- قریش و هوادارانش نباید پناه داده شوند. مشرکان مدینه حق ندارند قریش را، مالی یا جانی پناه دهند. به طور قطع این دستور (سند) از کسی که ستم کار و عهدشکن و متجاوز باشد، حمایت نخواهد کرد و هر کس از شهر خارج شود و هر کس در مدینه بماند، مأمن و مصون خواهد بود مگر کسی که ظلم کند و بر خلاف مندرجات این منشور (سند) عمل کند و به طور قطع و مسلم خدا پناه دهنده کسانی است که نیکوکاری را پیشه کنند و پرهیزگارتر باشند؛ و محمد ﷺ فرستاده خداست (ابن هشام، همان: ج ۲/۲۴۰؛ بلاذری، ۱۴۱۳ ه. ق. ج ۱/۴۳۳؛ طبری، همان: ج ۲/۱۷۲).

۱۱. جمع‌بندی اولیه

می‌توان تا این مرحله از پژوهش به یک نتیجه و دستاورد اشاره کنیم که با تکیه بر اولین قانون اساسی مکتوب می‌توان تشکیل حکومت و تقنین الهی و به عهده گرفتن زمام اداره امور جامعه از مواردی است که علاوه بر هدایت و نجات انسان‌ها، نقش قابل تأملی را در جهت حفظ آیات الهی و آرمان‌های جامعه مسلمین ایفا می‌کند. از این رو نبی مکرم اسلام ﷺ بلافاصله پس از هجرت برای تشکیل حکومت و دولت اسلامی اقدام نمود. این حکومت اسلامی هر چند بعد از ارتحال آن حضرت ﷺ عمرش کوتاه بود، اما نمونه کامل حکومت دینی با ویژگی‌های خاص خود بود که در این قانون اساسی مدون و پر محتوی به عنوان شاخصه‌های آموزنده و سازنده اشاره می‌شود تا تغییر وضعیت مدینه ملموس گردد.

مدینه در زمان هجرت پیامبر اعظم ﷺ به آن شهر یک ناحیه پر از اغتشاش و اختلاف از اقوام و طوایف اعراب و یهود بود. دولت و حاکم مرکزی به معنای امروزی نه تنها در آن شهر وجود نداشت بلکه سراسر شبه جزیره عربستان از جمله مدینه فاقد تشکیلات اداری و دولتی پادشاهان و امپراتوری‌های عصر خود بود. با ذکر این موارد مهم و حایز اهمیت در این قانون اساسی باز هم نباید توقع داشت که نظام سیاسی اسلام و الگوی کامل حکومتی پیامبر اسلام ﷺ را صرفاً از این پیمان‌نامه به دست آورد و برای دستیابی به این منظور لازم است که همه آموزه‌های دینی از جمله قرآن کریم را مطالعه کنیم. با این حال، این پیمان‌نامه ارکان مهم یک حکومت از جمله قانون‌گذاری، رهبری، قوه قضائیه، مرکز حکومت، نظام اقتصادی، امنیت داخلی، روابط داخلی و رویارویی با تجاوزه‌های خارجی را در بر دارد و نیز ارکان بنیادین یک دولت یعنی ملت (بند ۲۰) سرزمین (بند ۳۹)، و قدرت سیاسی و حاکمیت (بند ۲۳) را می‌توان در آن یافت.

پیمان‌نامه قانونی و سیاسی مدینه، که سند تشکیل حکومت اسلامی در مدینه است، به مباحثی چون: وضعیت حقوقی منشور، عناصر تشکیل دهنده دولت اسلامی، قلمرو دولت اسلامی، حاکمیت و

قدرت، جمعیت و ملت، برادری اسلامی، چگونگی رابطه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با یهود، دشمنان اسلام و با دیگر ملت‌ها پرداخته شده است. البته، حقوق و آزادی‌های منظور شده در منشور مورد اشاره، مطابق با شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زمان خود است. تأمین اجتماعی برای ساکنان مدینه، همبستگی در مسئولیت جنایت‌ها، حسن همسایگی، آزادی عقیده و اصل برابری مردم در برابر قانون از مواردی هستند که در این قانون اساسی آمده‌اند. اهمیت حقوق بشر در اسلام، دفاع این دین از آزادی عقیده و بیان و اندیشه و نیز برابری مردم در دولت اسلامی در پیمان نامه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با ساکنان مدینه به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. البته شایان ذکر است که این سند به دو دلیل یک سند واقع گرا است و نه یک سند معنوی:

۱- وحی منزل و الهی از طرف خداوند نیست اگرچه یک انسان کامل و الهی این متن را انشا می نماید.

۲- برای شرایط واقعی نگاشته شده است.

خطاب سند به، قریش، اهالی یثرب، آیندگان و وابستگان آن‌ها است. بسیاری از مستشرقین گفته‌اند که قانون اساسی یثرب سندی برای تشکیل حکومت اسلامی است اما می‌شود تا حدودی این نظر را نفی کرد و اذعان نمود که قانون اساسی مدینه، قانونی برای تولد یک آرمان شهر دولتی و اسلامی مطابق با تمام معیار روابط اجتماعی و سیاسی و حقوقی می‌باشد. این پیمان نامه با لحنی بسیار ملایم در مقام عدالتخواهی و ظلم ستیزی در جامعه مدینه نیز اشاره دارد و تکلیف ظالمان را مشخص می‌نماید؛ تبیین مواضع اصولی و متمدنی اسلام در برخورد با ستمگران و هم پیمانان، برخی دیگر از اهداف و پیامدهای این منشور تلقی می‌شود. در مواد سوم، چهارم، پنجم و ششم، یهودیان طرف قرارداد (به طور مشروح) شناسایی شدند. هم اینان از امتیازاتی بهره‌مند می‌شدند و مهم‌ترین آن این بود که «امتی متحد با مسلمانان» می‌شدند؛ البته نه به معنای این که در زمره «امت مسلمان» باشند. افزون بر این، یهودیان اجازه می‌یافتند که هم‌چنان بر دین خود باشند. البته این آزادی عقیده تا زمانی اعتبار و مجوز داشت که نیرنگ نورزند و پیمان شکنی نکنند و هرگز مرتکب ستم و کاری ناشایست نشوند که در آن هنگام، خود و خاندان خود را تباه می‌کردند.

۱۲. تاریخ انعقاد و کتابت قانون اساسی مدینه النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله

در این مجال نظر به اهمیت موضوع در مورد نگارش این پیمان نامه باید نگاهی دقیق به تاریخ تدوین و کتابت این منشور مهم مدینه انداخت تا دقیقاً مشخص شود این واقعه مهم در امر اداره جامعه و منافع ملی مردم و مسلمانان چه زمانی منعقد و مکتوب گردیده است. ظاهراً این پیمان نامه و یا قانون اساسی نظر به اهمیت ویژه اوضاع مدینه در بدو و ابتدای ورود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در نخستین ماه‌های هجرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله نگارش یافته است. زیرا اول اینکه مورخین بزرگی هم‌چون ابن

اسحاق (متوفی ۱۵۱ هـ ق) و ابن هشام (متوفی ۲۱۳ هـ ق) که از منابع دست اول نقل این پیمان هستند، متن این قرارداد و زمان وقوع این پیمان را پس از نخستین خطبه پیامبر ﷺ در مدینه آورده‌اند، حتی این نقل تاریخی را قبل از پیمان معروف برادری و عقد اخوت ذکر کرده‌اند، که در ماه هشتم (در شوال) واقع شده است.

دوم اینکه پس از اتمام سال اول هجرت از ربیع الاول تا اواخر صفر، فقط چهار قبائل انصار در دین کفر باقی مانده بودند، «خطمه» و «واقف»، «وائل» و «امیه» یعنی اوس و آنان هم بعد از جنگ بدر، احد و خندق مسلمان شدند. این دلیل قطعی است بر این که معاهده قبل از اتمام سال اول هجرت نوشته شده است؛ زیرا در متن پیمان نامه صلح (کما سیأتی) به یهودی بودن بسیاری از تیره‌های انصار تصریح شده است، پس احتمالی که از بعضی از اسلام شناسان نقل شده است که پیمان نامه زودتر از سال پنجم هجری نوشته نشده، قطعاً نادرست است.

ثالثاً؛ هر کس که متن پیمان نامه صلح را از نظر سطحی هم مورد مطالعه قرار دهد می‌فهمد که این پیمان نامه و قانون اساسی مدینه دفاعی بر علیه کسانی بود که از خارج از شهر مدینه، مدینه النبی و یثرب را مورد تهدید قرار می‌دادند، بنابراین از لحاظ عقلایی و سیاست خارجی در حالی که مدینه در معرض خطرات بسیار جدی از خارج می‌باشد، نمی‌توان آن امر حیاتی را به تأخیر انداخت، ماهیت این پیمان خودش شاهد قطعی است که این پیمان در نخستین فرصت مناسب منعقد شده است.

رابعاً؛ برای هر رهبر و رئیس حکومت و یا حاکم، سیاست داخلی بر سیاست خارجی در اولویت است و چنانچه اگر در داخل صلح و امنیت نباشد، آن حاکم ساسی و حتی پیامبر ﷺ نمی‌تواند با دشمنان قسم خورده خارجی خود مقابله کند، لذا لازم بود برای رفع اختلافات هواداران و پیروان خود اعم از مسلمین و غیر مسلمین هر چه زودتر اقدام جدی انجام گیرد و در ادامه همین طور برای دفع فتنه داخلی لازم بود که در اسرع وقت با یهود که از قدیم الایام یک ملت بسیار خطرناک و تهدید شناخته می‌شده است پیمان و تصمیم بسیار جدی و بر مبنای روشن اتخاذ گردد تا مانع از شرارت آنان شود. این مصالح اجازه نمی‌دادند که پیامبر ﷺ عقد این پیمان نامه و قانون اساسی و اجتماعی در مدینه را به تأخیر بیندازد. بنابراین اگرچه تاریخ دقیق این صلح نامه و یا پیمان نامه و منشور داخلی مدینه (قانون اساسی) در کتب تاریخ نیامده، ولی ما می‌توانیم بطور قطع نتیجه بگیریم که این معاهده هم مانند عقد مواخاه و پیمان برادری از اولین اقدامات رسول الله ﷺ در مدینه بود و حتماً مصادف با ایام عقد مواخاه در ماه هشتم یا حتی قبل از آن قرار داد اخوت نوشته شده است (شهیدی، ۱۳۹۲: ۸۵-۹۶).

۱۳. متن کامل پیمان نامه

این قانون اساسی در ۵۲ بند مجزا و به همراه جزییات در منابع معتبر تاریخی صدر اسلام نقل شده است در اینجا بنابر ارتباط موضوع جا دارد که متن کامل و بندهای این پیمان نامه آورده شود تا برای مطالعه و رصد بیشتر در دسترس عموم قرار گیرد. مواد این قانون بدین شرح می باشد:

این (نوشته) دستور یا منشوری است از طرف محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر (فرستاده) خدا در میان مؤمنان و مسلمانان از طائفه قریش و (اهالی) یثرب (مدینه) و کسانی که از آن ها پیروی کنند و به آن ها پیوندند و با آن ها جهاد کنند، نافذ و جاری خواهد بود.

این ها صرف نظر از سایر مردم، امتی هستند یگانه و مشخص (یک واحد سیاسی).

مهاجران قریش مسئول حفظ و حراست بخش خود خواهند بود و خون بهای خود را با رعایت حس نیکوکاری و عدالت که در میان مؤمنان وجود دارد، خواهند پرداخت و نیز فدیة اسیران خود را بر اساس اصول نیکوکاری و عدالت همه با یکدیگر پرداخت خواهند کرد.

بنو عوف نیز مسئول حفظ و حراست بخش و ناحیه خود خواهند بود و نیز خون بهای مربوط را با توافق یکدیگر خواهند پرداخت و همچنین فدیة مربوط به اسیران خود را نیز با رعایت اصول نیکوکاری و عدالت رایج در میان مؤمنان تأدیه خواهند کرد.

بنو حارث (خزرجی ها) مسئول حفظ و حراست ناحیه خود خواهند بود و هر طایفه و گروهی با توافق، فدیة مربوط به اسیران خود را بر اساس عدالت و نیکوکاری پرداخت خواهند کرد.

بنو ساعده مسئول نگهداری و حفاظت بخش خود خواهند بود و هر گروهی بر اساس اصول نیکوکاری و عدالت رایج در میان مؤمنان فدیة خود را خواهد پرداخت.

بنو جشم مسئول حفظ و نگهداری بخش خود خواهند بود و بر اساس اصول نیکوکاری و عدالت رایج در میان مؤمنان، فدیة خود را خواهند پرداخت.

بنو نجار مسئول نگهداری و حفاظت بخش خود خواهند بود و هر طایفه و گروهی بر اساس عدالت و نیکوکاری رایج در میان مؤمنان، فدیة خود را خواهند پرداخت.

بنو عمرو بن عوف مسئول نگهداری و حفاظت ناحیه خود خواهند بود و هر طایفه ای بر اساس عدالت و نیکوکاری رایج در میان مؤمنان، فدیة خود را ادا خواهند کرد.

بنو نبیت مسئول حفظ و حراست بخش خود خواهند بود و هر طایفه ای بر اساس عدالت و نیکوکاری رایج در میان مؤمنان، فدیة خود را خواهند پرداخت.

بنو اوس مسئول نگهداری و نگهداری ناحیه خود خواهند بود و هر طایفه ای فدیة خود را مطابق اصول عدالت و نیکوکاری رایج در میان مؤمنان پرداخت خواهند کرد.

مقرر است که: مؤمنان هیچ فردی را که در اثر فشار قرض از پا درآمده باشد (بدون کمک) به حال خودش وانگذارند و در موضوع فدیة نیز بر اساس اصول عدالت و نیکوکاری رایج میان مؤمنان و همچنین راجع به خون‌بها رعایت حال چنان شخصی را بنمایند. و هیچ مؤمنی با مولا (هم پیمان) مؤمن دیگری علیه او به مخالفت برنخیزد.

و نیز مقرر است که مؤمنان پرهیزکار باید در برابر آن فردی که از میان آنان یاغی شود یا بخواهد به دیگران تجاوز کند و ستمکاری نماید یا این که موجبات تعدی و جنایتی را فراهم سازد یا در میان مؤمنان فساد ایجاد کند، همه با یکدیگر همکاری کنند و او را مغلوب سازند؛ گو این که قیام‌کننده و متجاوز فرزند یکی از مؤمنان باشد.

هیچ مؤمنی نباید مؤمن دیگری را که کافری را کشته، بکشد و به هیچ کافری علیه مؤمنی نباید کمک نماید.

مسلم و قطعی است که حمایت خدا یکی بیش نیست و حمایت مؤمنان از نازل‌ترین فرد مسلمان، در موردی که به نام اسلام تعهدی نموده باشد، قطعی و همگانی است و همه مؤمنان در برابر همه مردم جهان، با یکدیگر برابرند.

افرادی از جامعه یهود که به ما کمک کنند، حمایت و کمک ما را جلب خواهند کرد و با ما برابر خواهند بود و هیچ کس نخواهد توانست بر آن‌ها تحمیلی روا دارد و بدیهی است به مخالفین آن‌ها نیز کمکی نخواهد شد.

مسلم است که صلح مؤمنان یکی بیش نخواهد بود و اگر احیاناً در راه خدا جنگی پیشامد کرد، هیچ مؤمنی حق ندارد بدون موافقت مؤمنان با طرف مخاصمه صلح کند، مگر این که این صلح مورد موافقت همه مؤمنان باشد که در آن صورت آن چنان صلحی که بر اساس عدالت و برابری استقرار یافت، برای همه الزام‌آور خواهد بود.

هر طایفه‌ای که همراه ما جنگ کند، دستجات آن طایفه باید به نوبت همراه ما بجنگند.

از آنجایی که مؤمنان همه در حکم یک هیأت هستند، در خون‌هایی که از آن‌ها در راه خدا ریخته می‌شود، اولیاء یکدیگرند (یعنی همه ولی دم شناخته می‌شوند و قصاص بر عهده همه است).

بدون تردید مؤمنان پرهیزکار پیرو هدایت و تابع بهترین طریق ارشادند.

هیچ مشرکی نباید به یک نفر از قریش حمایتی بدهد و یا مالی از او نگه‌داری کند، هیچ مؤمنی را مانع نشود که بر مشرک تسلط پیدا کند.

اگر کسی عمداً مؤمنی را بکشد و ثابت شود؛ باید به قصاص آن قتل کشته شود، مگر این که بازماندگان مقتول راضی شوند (که خون بها بگیرند) و همه مؤمنان باید برای مجازات اقدام کنند و هیچ نوع عمل و اقدام دیگری برای مؤمنان روا نیست.

برای هیچ مؤمنی که معتقد به این سند باشد و به خدا و روز قیامت عقیده داشته باشد، جایز نیست که به جنایت کار کمک کند یا او را پناه دهد و هر کسی که جنایت کار را یاری دهد یا او را پناه دهد، هرآینه لعنت خدا و خشم خدا در روز قیامت متوجه او خواهد بود و هیچ نوع مخارجی یا غرامتی از او پذیرفته نخواهد شد.

بر شما مؤمنان واجب است در هر موردی که با یکدیگر اختلاف پیدا کردید، مرجع امر خدا و پیغمبرش باشند.

هرگاه در هنگام جنگ یهودیان با مؤمنان همکاری بنمایند، هزینه جنگی را خودشان باید بپردازند.

یهود بنی عوف با مؤمنان در حکم یک امت شناخته می‌شوند؛ با این تفاوت که یهود مطابق دستور دین خود عمل کنند و مسلمانان مطابق اوامر دین خود. موالی (هم‌پیمانان) یهود در حکم خود یهودند، مگر کسانی که ستم کنند و مرتکب گناه شوند و متجاوز باشند، چنین کسانی جز خود و اهل خانه خود را دچار زحمت نخواهند کرد.

یهود بنی نجار، حقوقشان مانند حقوق یهود بنی عوف خواهد بود.

یهود بنی حارث، حقوقشان مانند حقوق یهود بنی عوف خواهد بود.

یهود بنی ساعده، حقوقشان مانند حقوق یهود بنی عوف خواهد بود.

یهود بنی جشم، حقوقشان مانند حقوق یهود بنی عوف خواهد بود.

یهود بنی اوس، حقوقشان مانند حقوق یهود بنی عوف خواهد بود.

یهود بنی ثعلبه، حقوقشان مانند حقوق یهود بنی عوف خواهد بود. مگر کسی که ستم کند و مرتکب گناه گردد و او نیز جز به خود و اهل خانواده خود زیانی نخواهد رسانید.

مسلم است که «جفنه» چون شاخه‌ای است از قبیله ثعلبه، مانند خودشان (در حکم خودشان) هستند.

بدون تردید حقوق بنی شطیبه مانند حقوق یهود بنی عوف خواهد بود و مسلم است که این معنی باید از هر جهت رعایت شود و تجاوزی روی ندهد.

موالی ثعلبه دارای حقوق اعضای اصلی همان قبیله خواهند بود.

مسلم است که شعبه‌های فرعی یهود دارای حقوق اعضای اصلی‌شان خواهند بود.
مسلم است که هیچ یک از افراد یهود جز با اذن و اجازه محمد (ص) در جنگ شرکت نخواهند کرد.

قصاص نباید از بین برود و خون کسی نباید هدر شود و هر کس خون کسی را بریزد، زحمت آن دامن‌گیر خود و خانواده‌اش خواهد شد و خدا به بهترین وجهی به این مطلب عنایت دارد.

هنگام بروز جنگ مخارج جنگی یهود بر عهده خودشان و مخارج جنگی مسلمانان بر عهده خودشان خواهد بود و به هر حال هر دو طرف با یکدیگر بر ضد کسانی که علیه پیروان این دستور بجنگند، همکاری خواهند کرد و روابطشان با یکدیگر بر اساس مشورت و خیرخواهی و نصیحت خواهد بود و از بدرفتاری احتراز خواهند کرد.

هیچ فردی نباید نسبت به هم‌پیمانانش بدرفتاری کند و همه باید به مظلوم کمک کنند.
هنگامی که مسلمانان با یکدیگر در حال جنگ باشند، یهودیان به مسلمانان کمک مالی خواهند کرد.

داخل شهر مدینه برای پیروان این سند «حرم» شناخته خواهد شد.
پناهنده هر کس در حکم خود اوست و هیچ کس نباید به پناهنده‌اش زانی برساند و یا نسبت به او مرتکب جرمی شود.

پناهنده (یعنی کسی که از دیگری حق «جوار» یا پناهندگی گرفته) نمی‌تواند جز با اجازه شخص حمایت‌کننده، دیگری را در این حق اصلی شریک کند.

هرگاه بین کسانی که تابع این دستور هستند، کشتاری روی دهد یا مشاجره‌ای درگیرد که بیم فساد در آن باشد، مرجع امر رسیدگی خدا و محمد صلی الله علیه و آله (که فرستاده خداست) خواهند بود و خدا ضامن پرهیزگارترین و نیکوکارترین پیروان این سند است.

به قریش و یاران قریش حق جوار (پناهندگی) داده نمی‌شود و آن‌ها از حقوق پناهندگی محرومند.

پیروان این سند در برابر کسانی که به مدینه حمله کنند، یکدیگر را یاری خواهند کرد.
اگر یهودی‌ها به صلحی دعوت شوند که در آن همکاری کنند و آن صلح را عملی سازند، می‌توانند به این کار اقدام کنند، در آن صورت مؤمنان نیز باید آن صلح را بپذیرند مگر این که صلح با کسانی باشد که در راه دین می‌جنگند.

هر گروهی مسئول حفاظت و نگهداری آن قسمت از شهر هستند که روبه‌روی آن‌ها واقع شده است.

یهودیان اوس همان حقوق را دارند که پیروان این سند از آن برخوردارند و پیروان این سند، بدون تعرض و تجاوز به دیگران، باید رعایت دقیق‌ترین نکات آن را بنمایند.

هر کس عمل خلافی مرتکب شود، سزای آن را خواهد دید و به طور قطع خدا ضامن پرهیزگارترین افراد است و از آن کسی حمایت می‌کند که به بهترین وجه مطابق مندرجات این دستور عمل نماید.

به‌طور قطع این دستور (سند) از کسی که ستم کار و عهدشکن و متجاوز باشد، حمایت نخواهد کرد و هر کس از شهر خارج شود و هر کس در مدینه بماند، مأمن و مصون خواهد بود مگر کسی که ظلم کند و بر خلاف مندرجات این منشور (سند) عمل کند و به طور قطع و مسلم خدا پناه دهنده کسانی است که نیکوکاری را پیشه کنند و پرهیزگارتر باشند؛ و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرستاده خداست (این هشام، ج ۱).

۱۴. نتیجه‌گیری

پیمان مدینه که پس از مذاکرات طولانی با اعضای طوایف مختلف مدینه از طرف پیامبر اسلام اعلام شد کوشش کرد که در وهله نخست به این اختلاف و کشمکش طوائف خاتمه داده و ساکنان مختلف آن شهر را در لوای یک نظام و یک مکتب معنوی متحد کند. تعجب نیست که اکثر بندهای پیمان مدینه با حقوق اقوام و طوایف مختلف، با کفر و قصاص، با امنیت و دفاع و با حاکمیت و مرجعیت رابطه دارد. پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله با مشارکت مردم مدینه و مشورت با آنها بیشترین حضور آنان را در صحنه‌های تصمیم‌گیری و صلح و مذاکرات ایجاد کرد. تکیه بر ارزش‌های معنوی، عدالت اجتماعی فراگیر، تأمین امنیت عمومی و ایجاد برادری و حقوق متقابل به‌خوبی از متون پیمان مدینه دیده می‌شود.

در قانون اساسی مدینه عربیت اولویت ندارد و حقوق همه طوایف و اقوام محترم شمرده شده است و اعتقاد و ایمان است که مزیت شهروندی را ارتقا می‌دهد. حاکمیت، مرجعیت و رهبری در پیمان مدینه به روشنی نوشته شده است. عهدنامه مدینه نه تنها یک سند حقوقی و قانونی است بلکه بالاتر از همه یک منشور متعالی است و این دقیقاً بزرگترین و مهم‌ترین بُعد این سند و قانون اساسی را نمایان می‌سازد. عهدنامه مدینه صریحاً از آزادی، برابری و مساوات دفاع کرده و بدان تأکید می‌کند، اصولی که پس از ۱۲ قرن در قوانین اساسی انقلاب فرانسه و استقلال آمریکا از آن سخن گفته شده است. در ادبیات حقوقی و سیاسی غرب توجهی به عهدنامه مدینه و زوایای قانونی و

قراردادی آن از جنبه قانون اساسی یک حکومت جدیدالتاسیس دینی و سیاسی نشده است گرچه شرح و متن این قرارداد در کتاب‌های نوشته شده راجع به زندگی و سیره پیامبر اعظم ﷺ و ترجمه‌های مختلف ذکر شده است. با گرایش و تعصباتی که غرب به تاریخ تمدن خود دارد و آغاز هر نوع نواندیشی سیاسی را در رنسانس و روشنگری اروپا و آمریکا جستجو می‌کند این چشم پوشی شاید طبیعی به نظر برسد. شایان ذکر است حتی در محافل اسلامی و بزرگداشت مقام پیامبر ﷺ و همچنین در ادبیات سیاسی معاصر دنیای اسلام نیز متأسفانه کمتر به این منبع و سند بزرگ تاریخی در چارچوب قانون اساسی مدینه توجه شده و از جنبه تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است، که امید است در آینده جبران شود.

از نظر حقوقی، تأسیس مدینه النبی به دست آن فرزانه الهی، اعلام حاکمیت قانون اسلام و لغو امتیازات و اختلافات عصر جاهلیت، قبول اصل عدالت و تساوی اسلامی و ایجاد عقد اخوت بین مهاجران و انصار، معادل یک جامعه قانون مدار بود. در نظام سیاسی صدر اسلام در مدینه، پیامبر ﷺ الگوئی از مشارکت سیاسی بود. اساس حکومت مدینه دین بود و در مواردی که به مسائل اجتماعی مربوط می‌شد، فرستاده خداوند از مسلمانان نظر می‌خواست. به این معنی که در اساس احکام و پایه‌های حکومت، از وحی بهره می‌جست، اما در پیاده کردن آن به نظرات خود و یارانش که رابطه‌ای وثیق با آن‌ها داشت، متکی بود. حکومت اسلامی در پرتو دیپلماسی و رفتار سیاسی رهبری مدینه، از روز اول، نقش مردم را مطرح ساخت و به ایجاد ارتباط با اقوام داخل و خارج پرداخت. این تحول بزرگ، علاوه بر نقش مدیریت رسول الهی، ناشی از ماهیت اولین قانون اساسی مکتوب جهان (منشور مدینه) نیز بود. معاهده‌های عقبه اول (مقدمه اولین قانون اساسی اسلام) و عقبه دوم (زیربنای دولت اسلامی) که پس از مذاکره با انصار از مردم مدینه در منی انعقاد یافت، نشانگر توجه آن حضرت به جامعه سیاسی در دست تکوین است.

هم زمان با تشکیل حکومت در مدینه، سه رکن اساسی حکومت با عناوین دیگری غیر از اسماء امروزی به وجود آمد که عبارت بودند از: قوه تقنین یا گروه برنامه‌ریز- قوه اجرا یا گروه امر به معروف و ناهی از منکر- قوه قضائیه یا هیئت دادرس. حریم هر یک از نهادهای حکومت به گونه‌ای طراحی شده بود که ضمن استقلال، در عین حال نظارت و کنترل هریک بر دیگری به منظور مشارکت مردم و اجرای قوانین الهی میسر باشد. حضرت محمد ﷺ به عنوان رهبر امت نوپای اسلامی، علایق مذهبی را با مقتضیات سیاست (حکومت) ترکیب کرد. در پیمان نامه معروف به منشور مدینه، امت مؤمنان وحدت خود را در برابر دشمنان مشترک اعلام کرده، حضرت محمد ﷺ را به عنوان پیامبر و داور در میان قبایل رقیب پذیرفتند. رهبری او از طریق وحی الهی مشروعیت یافته بود.

اولین منشور آزادی عقیده: نظریه مترقی بودن قوانین اسلامی، وسعت، انعطاف و جامعیت آن، در این نظام تمامی آزادی‌های مدنی ترویج شده است. حتی پیروان سایر مکتب‌ها و مذاهب‌ها به هیچ

وجه تحت فشار برای ابراز عقیده قرار نخواهند گرفت. آزادی، امنیت و رفاه اقلیت‌ها در چارچوب مقررات پذیرفته شده دین مبین اسلام، مانند سایر افراد تأمین خواهد شد. احترام به شخصیت و حق آزادی در عقاید دینی برای آن‌ها محفوظ خواهد بود. رفتار حکومت‌های اولیه اسلامی با اقلیت‌های مذهبی با حروف زرین بر سینه تاریخ ثبت گردیده است.

یکی از افتخارات بزرگ اسلام انعقاد قراردادهای رسمی صلح‌جویانه با مخالفان و منکران خود است. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در دوران حکومتش عهدنامه‌های مختلفی با منکران خود منعقد نمودند که به موجب مفاد این عهدنامه‌ها حکومت اسلامی در مقابل دریافت مالیات ویژه از اهل کتاب خود را ملتزم به رعایت حقوق سیاسی و اجتماعی و امنیت اقلیت‌های مذهبی می‌کرد. اولین آن‌ها قرارداد صلح با یهودیان در مدینه است که بنا به نظر (پروفسور هوستون اسمیت) مستشرق معروف این قرارداد در حقیقت اولین منشور و فرمان آزادی عقیده در تاریخ بشریت است. مواد تبصره‌های این معاهده، بسیار مرقی و قرن‌ها جلوتر از زمان خود است. ایجاد پیوند میان همه قبائل، جناح‌ها، دسته‌ها و جریان‌های مدینه می‌توانست تمام امکانات دفاعی شهر را در راستای منافع خود و جامعه هماهنگ سازد و همگان را از آزادی‌های عقیدتی برخوردار کند.

افزون بر این، در پرتو اتحاد مردم، محیطی بسیار مطلوب برای ارتباط فکری منطقی پدید می‌آمد؛ مشرکان فرصت مطالعه اسلام می‌یافتند و مسلمانان از امکان گفتگو و دعوت برخوردار می‌شدند. بر این اساس به فرمان خدا، منشور مقدسی که بخشی از قانون اساسی حکومت و تأمین‌کننده مصالح ملی امت اسلام شمرده می‌شد از سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اعلام گردید و مورد تصویب همگان قرار گرفت. این منشور که هر بخش آن دارای ابعاد گوناگون است از سه بخش اصلی تشکیل شده است:

۱- روابط مسلمانان اوس و خزرج میان خودشان و مسئولیت متقابل انصار و مهاجر نسبت به یکدیگر در همان مقطع زمانی خاص

۲- قرارداد عدم تعرض میان مسلمانان و یهود

۳- بخش عمومی و جهانی که حافظ وحدت مسلمانان در همه زمان‌هاست.

این منشور امروز نیز برای ازمیان بردن مشکلات اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مسلمانان سودمند می‌نماید. بدیهی‌ترین ویژگی این قانون، احترام به مخالفان و رسمیت بخشیدن به حقوق اقلیت‌های دینی و اعتقادی است. باید توجه داشت آنچه در قالب نخستین قانون اساسی از سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ارائه شد، صرفاً نوعی اتحاد سیاسی جهت همزیستی مسالمت‌آمیز بود و به هیچ روی موید عقاید و اندیشه‌های مشرکان و اهل کتاب نیست. مساله عقاید اهل کتاب موضوعاً خارج است؛ در گام‌های بعدی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مرزبندی اعتقادی میان مسلمانان و اهل کتاب از جمله

یهودیان پرداخت. بدین صورت که از یک طرف در پیوند عمیق با انبیای گذشته، هم بستگی و اتصال اسلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را با رسالت تحریف نشده انبیای بزرگ پیشین الهی مطرح کرد.

برخی از این معاهده‌ها که در بستر قانون اساسی مدینه رشد و نمو گرفت، قرارداد پیامبر صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران است که به موجب آن محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خدا ملتزم می‌شود که جان و مال و اراضی و عقاید و معابد آنها [مسیحیان] از هرگونه گزند مصون خواهد ماند، و هیچ‌گونه تحمیل یا تحقیری به آنان روا نخواهد شد. و نیز اراضی آنان به وسیله لشکریان اشغال نخواهد گردید. مادامی که اهالی نجران بدین پیمان وفادار بمانند، هیچ نیرویی متعرض آنان نخواهد بود.

اعترافات متفکران غربی: «الفضل ما شهدت به الأعداء». هنر، آن است که مخالفان یا غیرمسلمانان به فضائل اسلام اعتراف کنند:

۱- ویل دورانت: «اسلام طی پنج قرن از سال ۸۱ تا ۹۷۵ (۷۰۰-۱۲۰۰م) از لحاظ نیرو، نظم بسط قلمرو حکومت، تصفیه اخلاق و رفتار، سطح زندگانی، وضع قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی، ادبیات، دانش علم طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بود».

۲- «هر چند محمد صلی الله علیه و آله پیروان دین مسیح را تقبیح می‌کند، با این همه نسبت به ایشان خوش‌بین است و خواستار ارتباطی دوستانه بین آنها و پیروان خویش است. حتی پس از برخوردی که با پیروان دین یهود داشت، با اهل کتاب که همانا یهودیان و مسیحیان بودند، راه مدارا پیش گرفت.»

۳- گوستاولوبون: «زور شمشیر، موجب پیشرفت قرآن نگشت، زیرا رسم اعراب [مسلمان] این بود که هر کجا را که فتح می‌کردند، مردم آن جا را در دین خود آزاد می‌گذارند. این که مردم مسیحی از دین خود دست بر می‌داشتند و به دین اسلام می‌گرویدند و زبان عرب را بر زبان مادری خود برمی‌گزیدند، بدان جهت بود که عدل و دادی که از آن عرب‌های فاتح می‌دیدند، مانندش را از زمامداران پیشین خود ندیده بودند.»

۴- روبرتسون: «تنها مسلمانان هستند که با عقیده محکمی که نسبت به دین خود دارند، یک روح سازگار و تسامحی نیز با ادیان دیگر در آنها هست.»

۵- میشو: «هنگامی که مسلمانان (در زمانه خلیفه دوم) بیت المقدس را فتح کردند، هیچ‌گونه آزاری به مسیحیان نرساندند. ولی برعکس هنگامی که نصاری این شهر را گرفتند، با کمال بی‌رحمی مسلمانان را قتل عام کردند و یهود نیز وقتی به آنجا آمدند بی‌باکانه همه را سوزاندند... باید اقرار کنم که این سازش و احترام متقابل به ادیان را که نشانه رحم و مروت انسانی است، ملت‌های مسیحی مذهب از مسلمانان یاد گرفته‌اند.»

۶- کوئت هانری دی کاستری: این نویسنده فرانسوی، بقای نسل یهود را معلول مدارای دول اسلامی با آنان می‌داند: «اگر از جنس یهودی تا به حال کسی در این جهان به جای مانده است، بر

اثر همان دولت‌های اسلامی بود که در قرون وسطا آنان را از دست مسیحیان خون‌آشام نجات دادند در صورتی که اگر نصارا هم چنان به حال قدرت باقی می‌ماندند و بر جهان حکومت می‌کردند، نسل یهود را از جهان برمی‌داشتند.»

۷- آدام متز: «کلیساها و صومعه‌ها در دوران حکومت اسلامی چنان می‌نمودند که گویی خارج از حکومت اسلامی به سر می‌برند و به نظر می‌رسید بخشی از سرزمینی دیگر هستند که این خود موجب می‌شد چنان فضایی از تسامح برقرار گردد که اروپا در سده‌های میانه با آن آشنایی نداشتند) به نقل از حسینی، ۱۳۷۷: ۲۵۰).

برای اهمیت موضوع و سرلوحه گرفتن این اقدام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای ایجاد اتحاد و یکپارچگی داخلی و مصونیت از تهاجم خارجی و امنیت داخلی در راستای منافع ملی و مردم، لازم است تکرار کنیم تا سیاست مداران جهان اسلام و به ویژه مسئولین کشور عزیزمان جمهوری اسلامی ایران الگوگیری نمایند و سرمشق سیاست خارجی و داخلی خود قرار دهند. و آن اینکه زمانی که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه وارد شد، یکی از اولین کارهایش این بود که عناصر غیر متجانس و ستیزه جوئی و مخالف اسلام را که شهر و اطرافش از آن‌ها تشکیل شده بود با هر نوع عقیده و سلیقه سیاسی و دینی با نظم به هم پیوند داد و با این هدف منشوری واحد برای مردم صادر کرد، که در ضمن آن حقوق و تعهدات مسلمین بین مسلمانان و یهود به وضوح تعریف شده بود، یهودیان که لحظه ای تحت فشار غیر قابل مقاومت این حرکت جدید قرار گرفته بودند از چنین فرصتی استفاده کرده و با شیعف این پیمان را پذیرفتند، این سند چهار صفحه‌ای که با دقت در کتاب سیره ابن هشام (متوفی ۲۱۳ه) ثبت شده است، عظمت واقعی آن انسان را نشان می‌دهد، آن کسی که تنها عقل زمان خود، بلکه آن گونه که «مور» می‌گوید: عقل همه اعصار بود او که کوشش داشت بافت موجود جامعه را در هم ریزد، خیال‌باف مجنون نبود، بلکه زمامداری بود که در برابر قدرتش رقیبی وجود نداشت. کسی که در دوره فساد کامل و چاره‌ناپذیر، با مواد و مصالح و خطامشی که خداوند در دست او قرار داده بود، شروع به بازسازی ملت و جامعه بر پایه شفقتی عالم‌گیر کرد و اولین منشور آزادی باطن را به جهانیان اعطا نمود.

منابع

قران کریم

ابن حمید، صالح بن عبدالله (۱۴۲۶ق/۲۰۰۶م). موسوعة نضرة النعيم في مكارم اخلاق الرسول الكريم، جده: دار الوسيلة.

ابن زنجويه، حميد بن مخلد (۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م). كتاب الاموال، تحقيق شاکر ذيب فياض، رياض.
ابن سيد الناس، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق/۱۹۹۲م). عيون الاثر في فنون المغازی و الشمائل و السير، تحقيق محمد عيد خطراويو محیی الدين مستو، مدینه،
ابن عبدالبر (۱۴۱۲). الاستيعاب. ج ۱، بيروت: دار الجیل.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی تا). البدايه والنهائيه. ج ۳، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی تا). السيرة النبویة، تحقيق مصطفى عبد الواحد، قاهره، ۱۳۸۳-
۱۳۸۶ق/۱۹۶۴-۱۹۶۶م، چاپ افست بيروت.

ابن هشام، عبدالملک (بی تا). السيرة النبویة لابن هشام. تحقيق مصطفى سقا و ابراهيم ابیاری و عبد الحفیظ شلبی، ج ۲، بيروت: دار احیاء التراث العربی.

ابوعبید، قاسم بن سلام (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م). كتاب الاموال، تحقيق محمد خليل هراس، بيروت،
احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق.). مکاتیب الرسول (ص): مصححه و منقحه و مزیده، ج ۳، تهران: دار
الحديث.

بختیاری، شهلا؛ نظرزاده، زهرا (بهار ۱۳۹۱). «پیمان نامه مدینه: نمونه ای تاریخی در زمینه حل اختلاف»،
مجله تاریخ اسلام، ش ۴۹، سال سیزدهم.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م). فتوح البلدان، تحقيق دخویه، لیدن، افست فرانکفورت،
بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۹۶-۲۰۰۰م). انساب الاشراف، تحقيق محمود فردوس عظم، دمشق،
بیات، علی؛ تاج بخش، قدیه (پاییز ۱۳۸۶ش.). «وثاقت پیمان نامه مدینه»، مجله پژوهش دینی، ش ۱۵،
بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵ق.). دلائل النبوه. ج ۲، بيروت: دارالکتب العلمیه.
پاینده، ابوالقاسم (شهریور ۱۳۵۷). «پیمان مدینه»، مجله معارف اسلامی، ش ۲۹.
جعفریان، رسول (بی تا). سیره رسول خدا، تهران: بی نا.
الحسنی، هاشم معروف (۱۹۷۵م). سيرة المصطفى. قم: بی نا.

حسینی، سید محمد (۱۳۷۷). نامه ها و پیمان های سیاسی پیامبر اسناد صدر اسلام، تهران: سروش.
حمیدالله، محمد (۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م). مجموعه الوثائق السياسية للعهد النبوی و الخلافة الراشدة، بيروت.
دوری، عبدالعزیز (۲۰۰۸م). النظم الإسلامية، بيروت.
دیاربکری، حسین بن محمد (۱۲۸۳ق/۱۸۶۶م). تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، قاهره، افست
بیروت.

زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۲). تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت). تهران: سمت.
زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۲). قانون حکومت ایران، سومین قانون اساسی عصر ناصری. تهران انتشارات
دانشگاه تهران.

- سهیلی، عبدالرحمان بن عبدالله (۱۳۸۷-۱۳۹۰ق). الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، تحقیق عبدالرحمان وکیل، قاهره.
- شاكر، محمد كاظم؛ لطفی، محمدحسین (بهار ۱۳۹۰). «صحیفه النبی (ص)؛ نماد قانونگرایی در حکومت نبوی»، مجله کتاب قیم، ش ۱.
- شهیدی، جعفر (۱۳۹۲). تاریخ تحلیلی صدر اسلام. تهران: نشر دارالعلم.
- صالح، علی (بهار ۱۴۰۳). «دراسات: الصحیفه أو دستور المدینه: التأسيس للعلاقه مع الآخر»، مجله منهج، ش ۵۳.
- طبری، محمدبن جریر (۱۹۶۷م). تاریخ الامم و الملوك، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۸۴). سیرت جاودانه، ترجمه الصحیح من سیره نبی الاعظم، مترجم محمد سپهری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۸۵). الصحیح من سیره النبى الاعظم (ص)، قم: بی نا.
- علی، صالح احمد (۲۰۰۱م). دولة الرسول (ص) فی المدینه: دراسة فی تكوناتها و تنظیمها، بیروت.
- عمری، اکرم (۱۴۱۱ق). السیره النبویه الصحیحه، دوحه.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۶). نظام سیاسی و دولت در اسلام. تهران: انتشارات سمت.
- کسروی، احمد (۱۳۹۵). تاریخ مشروطیت ایران. تهران: بی نا.
- نجفی، م؛ فقیه حقانی، م (۱۳۸۱). تاریخ تحولات سیاسی ایران. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- هاشمی، سید محمد (بی تا). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. ج ۱، تهران: بی نا.
- واسعی، سید علیرضا (زمستان ۱۳۹۲). «پیشرفت مدنی در جامعه عهد نبوی»، مجله پژوهشنامه تاریخ اسلام، ش ۱۲.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۹۶۶م). المغازی. تحقیق مارسدن جونز، لندن: بی نا.

Research Article

Historical Foundations of Unity and Social and Political Integration in the Prophetic Era: The Constitution of Medina as the First Constitution of Medina al-Nab

Mohammad Hossein Makouei Barand Abadi¹, Raziye Shahriari² and Ramazan Rezaei³

Date of received: 2026/01/10

Date of Accept: 2026/03/10

Abstract

The Constitution of Medina, also known as the Charter of Medina, is one of the most significant documents in Islamic history. It was formulated in the first year following the Prophet Muhammad's migration to Medina and after the establishment of the Islamic community. The document was intended to regulate relations among the various groups and tribes residing in Medina and provided a framework for organizing the political, social, and legal affairs of the community. By defining reciprocal rights and responsibilities between Muslims and non-Muslims, the Constitution of Medina contributed to the establishment of security, peaceful coexistence, and social order in Medina. Following the migration, the Prophet Muhammad formulated this charter in order to govern the emerging Islamic community and establish a coherent social and political structure. Its provisions demonstrate the attention of the Prophetic government to principles such as justice, social cooperation, the protection of individual rights, and responsibility toward the community. Accordingly, the document can be regarded as one of the Prophet's most significant measures toward establishing a rule-based society and laying the foundations of an Islamic

¹. PhD Candidate in Islamic Education, Faculty of Islamic Studies and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: m.makoei@ut.ac.ir

². M.A. in Islamic History and Civilization, Faculty of Islamic Studies and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: rezayi@ut.ac.ir

³. Associate Professor, Department of Islamic Education, Faculty of Islamic Studies and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: rezayi@ut.ac.ir

Copyright © 2010, SSSI (Shiraz Strategic Studies Institute). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

political system. This study aims to explain the manner in which the community of Medina was governed, the mechanisms for regulating social relations, and the position of law in the governance of the Prophet Muhammad. The findings indicate that the Constitution of Medina was more than a social contract; it represented a model for governing a multi-group society and provided a foundation for the emergence of a political system grounded in Islamic principles.

Keywords: Prophetic Era; Constitution of Medina; Islamic Government; Constitution; Prophetic State; Medina al-Nabi.

Citation (APA 7th ed. / APSA)

Makouei Barand Abadi, Mohammad Hossein; Shahriari, Raziye; Rezaei, Ramazan(Spring 2026). "Historical Foundations of Unity and Social and Political Integration in the Prophetic Era: The Constitution of Medina as the First Constitution of Medina al-Nab". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 9, Issue 1, S.No. 33, pp. 19- 54.

Resources

The Holy Qur'an.

Abd al-Barr, Yusuf ibn Abdullah (1412 AH). *Al-Isti'ab*, Vol. 1. Beirut: Dar al-Jil.

Abu Ubayd, Qasim ibn Sallam (1408 AH/1988 CE). *Kitab al-Amwal* [The Book of Wealth], ed. Muhammad Khalil Harras. Beirut.

Ahmadi Miyanji, Ali (1419 AH). *Makatib al-Rasul* (PBUH): *Musahhah wa Munqahah wa Mazidah* [The Letters of the Prophet: Corrected, Revised, and Expanded], Vol. 3. Tehran: Dar al-Hadith.

Ali, Salih Ahmad (2001). *Dawlat al-Rasul* (PBUH) *fi al-Madinah: Dirasah fi Takawwunha wa Tanzimiha* [The State of the Prophet in Medina: A Study of Its Formation and Organization]. Beirut.

Amili, Ja'far Murtada (2005). *Sirat-e Javdaneh* [Eternal Biography], translated from *Al-Sahih min Sirat al-Nabi al-A'zam* [The Authentic Biography of the Great Prophet], trans. Mohammad Sepehri. Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought. (in Persian).

Amili, Ja'far Murtada (2006). *Al-Sahih min Sirat al-Nabi al-A'zam* (PBUH) [The Authentic Biography of the Great Prophet]. Qom: n.p.

- Bakhtiari, Shahla, and Zahra Nazarzadeh (Spring 2012). "The Constitution of Medina: A Historical Example of Conflict Resolution." *Journal of Islamic History*, No. 49, Vol. 13. (in Persian).
- Baladhuri, Ahmad ibn Yahya (1413 AH/1993 CE). *Futuh al-Buldan [The Conquests of the Lands]*, ed. de Goeje. Leiden; offset edition, Frankfurt.
- Baladhuri, Ahmad ibn Yahya (1996–2000). *Ansab al-Ashraf [Genealogies of the Nobles]*, ed. Mahmud Firdaws al-A'zam. Damascus.
- Bayat, Ali, and Qadriyyah Tajbakhsh (Autumn 2007). "The Authenticity of the Constitution of Medina." *Journal of Religious Research*, No. 15. (in Persian).
- Bayhaqi, Ahmad ibn Husayn (1405 AH). *Dala'il al-Nubuwwah [Proofs of Prophethood]*, Vol. 2. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Diyarbakri, Husayn ibn Muhammad (1283 AH/1866 CE). *Tarikh al-Khamis fi Ahwal Anfus Nafis [The History of al-Khamis Concerning the Lives of the Noble Ones]*. Cairo; offset edition, Beirut.
- Diyarbakri, Husayn ibn Muhammad (1283 AH/1866 CE). *Tarikh al-Khamis fi Ahwal Anfus Nafis [The History of al-Khamis Concerning the Lives of the Noble Ones]*. Cairo; offset edition, Beirut.
- Duri, Abd al-Aziz (2008). *Al-Nuzum al-Islamiyyah [Islamic Systems]*. Beirut.
- Feyz, Davoud (2007). *Nezam-e Siyasi va Dowlat dar Eslam [Political System and State in Islam]*. Tehran: SAMT Publications. (in Persian).
- Hamidullah, Muhammad (1407 AH/1987 CE). *Majmu'at al-Watha'iq al-Siyasiyyah lil-'Ahd al-Nabawi wa al-Khilafah al-Rashidah [Collection of Political Documents of the Prophetic Era and the Rashidun Caliphate]*. Beirut.
- Hashemi, Seyyed Mohammad (n.d.). *Hoquq-e Asasi-ye Jomhuri-ye Eslami-ye Iran [Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran]*, Vol. 1. Tehran: n.p. (in Persian).
- Hosseini, Seyyed Mohammad (1998). *Namah-ha va Peyman-ha-ye Siyasi-ye Payambar: Asnad-e Sadr-e Eslam [The Political Letters and Treaties of the Prophet: Documents of Early Islam]*. Tehran: Soroush. (in Persian).
- Ibn Hisham, Abd al-Malik (n.d.). *Al-Sirah al-Nabawiyyah li-Ibn Hisham [The Prophetic Biography of Ibn Hisham]*, Vol. 2, eds. Mustafa al-Saqqa, Ibrahim al-Abyari, and Abd al-Hafiz Shalabi. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
- Ibn Kathir, Isma'il ibn Umar (n.d.). *Al-Bidaya wa al-Nihaya [The Beginning and the End]*, Vol. 3. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
- Ibn Kathir, Isma'il ibn Umar (n.d.). *Al-Sirah al-Nabawiyyah [The Prophetic Biography]*, ed. Mustafa Abd al-Wahid. Cairo, 1383–1386 AH/1964–1966 CE. Offset edition, Beirut.

- Ibn Sayyid al-Nas, Muhammad ibn Muhammad (1413 AH/1992 CE). *'Uyun al-Athar fi Funun al-Maghazi wa al-Shama'il wa al-Siyar* [The Sources of Reports on the Arts of Military Expeditions, Characteristics, and Biographies], eds. Muhammad 'Id Khatravi and Muhyi al-Din Masto. Medina.
- Ibn Zanjawayh, Humayd ibn Makhlad (1406 AH/1986 CE). *Kitab al-Amwal* [The Book of Wealth], ed. Shakir Dhib Fayyad. Riyadh.
- Ja'fariyan, Rasul (n.d.). *Sirah-ye Rasul-e Khoda* [The Biography of the Messenger of God]. Tehran: n.p. (in Persian).
- Kasravi, Ahmad (2016). *Tarikh-e Mashrutiyat-e Iran* [The History of the Iranian Constitutional Revolution]. Tehran: n.p. (in Persian).
- Najafi, M., and M. Faqih Haqqani (2002). *Tarikh-e Tahavvolat-e Siyasi-ye Iran* [A History of Iran's Political Transformations]. Tehran: Institute for Contemporary Iranian Historical Studies. (in Persian).
- Payandeh, Abu al-Qasim (September 1978). "The Medina Charter." *Ma'aref-e Eslami*, No. 29. (in Persian).
- Saleh, Ali (Spring 2024). "Studies: Al-Sahifah or the Constitution of Medina: Establishing Relations with the Other." *Minhaj*, No. 53. (in Persian).
- Shahidi, Ja'far (2013). *Tarikh-e Tahlili-ye Sadr-e Islam* [An Analytical History of Early Islam]. Tehran: Dar al-'Ilm Publishing. (in Persian).
- Shaker, Mohammad-Kazem, and Mohammad-Hossein Lotfi (Spring 2011). "Sahifat al-Nabi (PBUH): A Symbol of the Rule of Law in the Prophetic Government." *Ketab-e Qayyem*, No. 1. (in Persian).
- Suhayli, Abd al-Rahman ibn Abdullah (1387–1390 AH). *Al-Rawd al-Unuf fi Sharh al-Sirah al-Nabawiyyah li-Ibn Hisham* [Al-Rawd al-Unuf: A Commentary on Ibn Hisham's Prophetic Biography], ed. Abd al-Rahman Wakil. Cairo.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1967). *Tarikh al-Umam wa al-Muluk* [The History of Nations and Kings], ed. Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim. Beirut: Dar al-Turath.
- Umari, Akram (1411 AH). *Al-Sirah al-Nabawiyyah al-Sahihah* [The Authentic Prophetic Biography]. Doha.
- Vase'i, Seyyed Alireza (Winter 2013). "Civilizational Progress in the Society of the Prophetic Era." *Journal of the History of Islam*, No. 12. (in Persian).
- Waqidi, Muhammad ibn Umar (1966). *Al-Maghazi* [The Expeditions of the Prophet], ed. Marsden Jones. London: n.p.
- Zargari-Nejad, Gholam-Hossein (2003). *Qanun-e Hokumat-e Iran: Sevomin Qanun-e Asasi-ye Asr-e Naseri* [The Law of Government in Iran: The

Third Constitution of the Naseri Era]. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian).

Zargari-Nejad, Gholam-Hossein (2003). *Tarikh-e Sadr-e Islam (Asr-e Nobovvat) [The History of Early Islam: The Prophetic Era]. Tehran: SAMT. (in Persian).*



